

## تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی<sup>۱</sup> جناب آقای دکتر سید حسین مهدوی نجم آبادی عضو هیأت علمی مؤسسه عالی بانکداری ایران

### مقدمه

بانکداری اسلامی، در طول مدت عمر کوتاه خود منشأ تحولات زیادی در نظام بانکداری جهان شده است. این تحولات در حدی بود که در این مدت کوتاه در امور مختلف اقتصادی برخی از کشورها منجمله کشورهایی که تمام نظام بانکی خود را به صورت یکپارچه به صورت اسلامی درآورده‌اند، به ویژه در کشور ایران اثرات عمیقی برجای گذارده و قطعاً در آینده نیز این آثار در شکل بارزتری بروز خواهد کرد. به رغم همه پیشرفت‌هایی که در این مدت کوتاه در نظام بانکداری اسلامی در جهان صورت گرفته، اینگونه بانکداری هنوز با کمبودهای بسیاری در محدوده ابرازهای تجهیز و مصرف منابع و بالاخص در زمینه مدیریت ریسک مواجه می‌باشد. از این رو هر کوششی در جهت نوآوری در زمینه‌های شمرده شده، به ویژه در زمینه مدیریت ریسک در این بانکداری، اقدامی بسیار موجه خواهد بود.

مدیریت ریسک پدیده‌ای نسبتاً نوپایمی باشد که پیشرفت‌های نسبتاً چشم‌گیری از چند دهه اخیر در علم بانکداری در جهان به وجود آورده است. لکن، در بانکداری اسلامی تلاش چندانی برای مدیریت و مواجه با خطرات احتمالی که این بانک‌ها را تهدید می‌کند صورت نگرفته است، دلایل متعددی برای این عقب ماندگی وجود دارد که عمده‌ترین آن‌ها دولتی بودن بانک‌های اسلامی در برخی از کشورها، عدم آگاهی کافی از مبانی اسلامی، جدید بودن علم مدیریت ریسک و نظایر آن، می‌باشد.

مع‌الوصف در چند سال اخیر کم و بیش کوشش‌هایی در زمینه‌هایی علمی برای طراحی مدیریت ریسک با قصد شناخت، ارزیابی مراقبت و کنترل و کاهش و نهایتاً پیشگیری ریسک در

---

۱- نظرانی که در این مقاله ارائه شده است، نتیجه مطالعات شخصی نویسنده بوده و نظرات فقهی خاصی را منعکس نمی‌نماید.

بانکداری اسلامی نیز صورت گرفته که تقریباً همه در مراحل ابتدایی است. ادامه این کوشش‌ها در جهت مدیریت ریسک که جزء لاینفک بانکداری اسلامی است می‌تواند منجر به طراحی روش‌ها، استانداردها، آموزش‌ها، سیستم‌ها، و... برای کنترل، کاهش و پیشگیری از رخدادهای نامطلوبی که اثر تخریبی بر حیات بانک‌های اسلامی دارد، بشود. البته هرگونه اندیشه، نوآوری و تمهید برای مواجهه با موضوع ریسک در بانکداری اسلامی، مستلزم شناخت مبانی مدیریت ریسک در بانکداری سنتی، شناخت عمیق از مبانی بانکداری به طور کلی و مهم‌تر از همه اینها شناخت عمیق از مبانی علوم مدیریت مالی (finance) و اقتصاد و بالاخص اشراف و شناخت کافی از فرهنگ غنی و رفتارهای اسلامی در زمینه معاملات و قراردادهای اسلامی می‌باشد.

### طرح نارسائی

از بدو پایه‌گذاری بانکداری اسلامی، به ویژه از زمان پیدایش نیاز برای مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی نظریه‌های متفاوتی در زمینه ماهیت ریسک در اینگونه بانکداری، تفاوت و تشابه آن با ماهیت ریسک در بانکداری سنتی مطرح و ارائه شده است. باید اذعان داشت که کارهای علمی انجام شده و نظریه‌های ارائه شده، به دلیل بررسی‌ها و مطالعات جامعی که در زمینه مدیریت ریسک در بانکداری سنتی صورت گرفته، عمدتاً حول دو محور (۱) موارد مشابه و (۲) موارد غیرمشابه با بانکداری سنتی بوده است.

در زمینه محور اول، نظریه‌های مطرح شده در مورد بانکداری سنتی، در بانکداری اسلامی نیز قابل ارائه و کاربرد می‌باشد. هرچند این نظریه‌ها در جایگاه خود، قابل نقد و بررسی بیشتر و اعتلاء سطح این نظریه‌ها می‌باشد. لکن، نظریه‌های ارائه شده در زمینه‌های غیر مشابه، یعنی محور دوم، عملیات خاص بانکداری اسلامی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. این بررسی‌ها و مآلا اعلام نظریه‌های مختلف از دیدگاه‌ها، شرایط و فروض متفاوتی برخوردار می‌باشد. این تفاوت‌ها عمدتاً نشأت گرفته از نظر تئوریسین‌های ذیربط که خود بر مبنای (۱) دانش آن‌ها از مفاهیم شرعی، (۲) تفاوت بینش آن‌ها از مبانی شرعی، (۳) باور آن‌ها از مبانی شرعی (۴) مقررات حاکم بر بانکداری اسلامی در جوامع مختلف و بالاخره (۵) فروض حاکم بر تئوری‌های مزبور بوده که منجر به اعلام نظریه‌های مذکور گردیده است. طبیعتاً هر یک از این موارد در جای خود قابل نقد و بررسی می‌باشد. بدیهی است تحت این شرایط و فروض متفاوت، نظریه جامع و واحدی در زمینه مدیریت ریسک نمی‌تواند ارائه شود.

باتوجه به این مراتب، در این مقاله سعی خواهد شد تا حتی المقدور ضمن بر شمردن ویژگی‌های ماهیتی و ذاتی مصارف با دارائی‌های بانکهای اسلامی (که عمدتاً پرتفوی اعتباری

آنها را تشکیل می‌دهد)، همراه با برشمردن ویژگی‌های ماهیتی و ذاتی منابع آنها، (که عمدتاً سپرده‌های آنها را تشکیل می‌دهد) نظریه‌های لازم در خصوص مدیریت ریسک، به ویژه در بخش پیشگیری و توزیع ریسک غیر مشابه، در دو نظام بانکداری، ارائه گردد. در این موارد کوشش خواهد شد تا نظریه‌های ارائه شده، حتی‌المقدور از جامعیت بیشتری برخوردار باشد تا بانک‌های اسلامی نیز بتوانند به صورت کاربردی از آن استفاده نمایند.

بدیهی است، اعلام هرگونه نظریه در این زمینه باید با تحلیل محتوایی انواع ابزارهای اعتباری که در مصرف منابع بانک‌های اسلامی و یا در واقع در ایجاد دارائی‌های آن‌ها بکارگرفته می‌شوند و همچنین تحلیل محتوایی انواع ابزارهایی که در تجهیز منابع آن‌ها به کار می‌رود. همراه باشد. در عین حال، در این موارد نیز، باید تفاوت ماهوی این ابزارها و ریسک‌های مترتب بر آنها، با ابزارهای مورد استفاده در بانکداری سنتی تاجائی که ضرورت ایجاد کند و تکراری به نظر نرسد مورد تعمق، بحث و تحلیل قرار گیرد.

### تعریف ریسک

هرچند در علوم مختلف تعاریف متفاوتی از ریسک ارائه شده است، مع‌الوصف، تعریف جامع‌تری از ریسک در این جا می‌تواند به شناخت و درک بیشتر موضوع کمک کند.

ریسک در لغت به مفهوم امکان یا احتمال بروز خطر یا روبرو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن، کاهش درآمد، زیان دیدن،... می‌باشد. به عنوان مثال ریسک در احداث بنا می‌تواند از طراحی و نقشه‌ها و همچنین اجرای اشتباه، در مورد پیشگیری از محاسبه نادرست از مقاومت مصالح، خطرات زلزله، آتش‌سوزی، ساخت نامطلوب، صدا،... و امثال آن رخ دهد. البته پیشگیری از این رخدادهای مستلزم برنامه ریزی صحیح و دقت لازم در همه زمینه‌ها می‌باشد. رخداد ریسک در هواپیما، کشتی، ترن، اتوبوس،... و بسیاری از موارد دیگر نیز می‌تواند مآلاً خطر آفرین باشد. قاعدتاً همه این موارد نیز مستلزم شناخت، ارزیابی، کنترل و پیشگیری است. ریسک در نهایت در همه موارد منجر به خسارت مالی و یا جانی خواهد شد.

رخداد ریسک، به طور کلی، در تجارت، صرف‌نظر از مخاطرات احتمالی جانی آن، عمدتاً ناشی از عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده است که مآلاً به کاهش سود منجر خواهد شد. در علوم مختلف مالی، معمولاً ریسک در تجارت با انحراف از معیار یا انحراف از استاندارد و برخی از شاخص‌های دیگر اندازه‌گیری می‌شود. بحث در زمینه نحوه محاسبه ریسک از موضوع این مقاله خارج می‌باشد.

در بانکداری، به دلایل (۱) تعدد و تنوع عملیات بانکی، (۲) ماهیت‌های متفاوت این

عملیات، (۳) وضعیت سرمایه بانک و محدودیت میزان آن (۴) حفظ منافع سهامداران بانک (۵) وضعیت منابع سپرده‌گذاران و فراوانی آن (۶) حفظ منافع سپرده‌گذاران، (۷) متفاوت بودن منافع بانک و سپرده‌گذاران، (۸) نوع وظیفه بانک‌ها که آنها را متمایز از واحدهای دیگر اقتصادی می‌کند، (۹) تعدد گیرندگان تسهیلات اعتباری (۱۰) و متفاوت بودن وضعیت مالی هر یک از گیرندگان تسهیلات، (۱۱) سروکار داشتن گروه زیادی از کارکنان بانک با منابع مالی (۱۲)، نبود تخصص کافی در زمینه‌های مدیریت منابع، ثبت عملیات زیاد مالی، نقل و انتقالات زیاد پولی داخلی، خارجی، ارائه انواع دیگر خدمات بانکی و... امثال آن، ریسک ماهیتی کاملاً متفاوت از ریسک در دیگر واحدهای اقتصادی دارد. همه این موارد و بسیاری از موارد دیگر ضرورتاً ایجاب می‌کند که مدیریت ریسک در بانک‌ها حساس‌تر، پیچیده‌تر، مشکل‌تر از مدیریت ریسک در واحدهای دیگر اقتصادی باشد. ویژگی اسلامی برخی از عملیات بانک‌های اسلامی حساسیت، پیچیدگی و مشکل بودن مدیریت ریسک را در بانک‌های اسلامی باز هم بیشتر می‌کند. به همین دلایل، هر قدر ریسک و مدیریت ریسک در بانک‌ها بیشتر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و روش‌های نوین برای پیش‌بینی، اندازه‌گیری، کنترل و مهار و مآل کاهش ریسک و نهایتاً پیشگیری از رخداد آن ارائه شود، امری بسیار موجه به نظر می‌رسد که بررسی آنها پایان‌ناپذیر است.

در هر صورت، بروز ریسک در بانکداری سنتی و یا بانکداری اسلامی از هر شکل و ماهیت که باشد، مآلاً منجر به کاهش قدرت سودآوری بانک می‌گردد. این کاهش قدرت در سه شکل: (۱) سودآوری کمتر از هدف پیش‌بینی شده، (۲) از بین رفتن تمام سود پیش‌بینی شده و بالاخره (۳) زیان، رخ می‌دهد. شکل سوم مخرب‌ترین اشکال ریسک است که می‌تواند با از بین بردن بخشی یا تمام سرمایه بانک و یا حتی بخشی از سپرده‌ها و در شکل بسیار حاد آن تمام سپرده‌های بانکی منجر شده و موجودیت بانک را، در هر صورت با خطر مواجه کند. پیش‌آمدهای نامطلوب اولیه تأثیر منفی بر ارزش سهام بانک خواهد گذاشت. قطعاً، تداوم رخدادهای مزبور علاوه بر تأثیر منفی بر ارزش سهام بانک، نهایتاً آن را به بن‌بست خواهد رساند. مدیریت ریسک می‌تواند به صورت اهرمی سنگین مانع از بروز این رخدادهای نامطلوب بشود.

### مدیریت ریسک

هدف از مدیریت ریسک در بانک، با همه حساسیت و پیچیدگی و مشکل بودن آن، این است که به وسیله آن تمهیداتی صورت پذیرد تا حتی المقدور از رخدادهای نامطلوب که منجر به بروز ریسک می‌شوند و در عین حال قابل پیش‌بینی هستند، پیش‌گیری شود و نهایتاً میزان ریسک را

به حداقل (Minimize) ممکن برساند. نکته مهم در این است که هر قدر این تمهیدات و پیش‌بینی‌ها کارآمدتر و مناسب‌تر باشد، باز هم ممکن است پاره‌ای از رخدادهای نامطلوب که ذاتاً غیرقابل پیش‌بینی هستند رخ دهند. این بخش از ریسک، یعنی ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی و پیش‌گیری، معمولاً با تمهیدات و طرق علمی دیگر مقابله می‌شود. موضوع کفایت سرمایه، بیمه، کمک دولت و بانک مرکزی در موارد اضطراری از جمله تمهیداتی است که برای ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی و پیش‌گیری بکار گرفته می‌شوند تا موجب گردند که بانک با خطر غیرقابل جبران مواجه نشود. این نتیجه‌گیری هم در مورد بانکداری سنتی و هم در مورد بانکداری اسلامی مصداق دارد.

### شناخت انواع ریسک

ریسک‌های شناخته شده در بانکداری عموماً به گروه‌های کلی زیر تقسیم بندی می‌شوند:

الف - ریسک‌های مالی

ب - ریسک‌های عملیاتی

ج - ریسک‌های بازار یا تجاری

د - ریسک‌های برون سازمانی

هریک از گروه‌های بالا، خود به دسته‌جات متعدد و هریک از دسته‌های مذکور نیز به موارد معین و هریک از موارد معین نیز به مراحل مختلف قابل تقسیم بندی و شناسائی هستند. این مقاله بنا ندارد که به شناسایی این قبیل ریسک‌ها و تشریح آن‌ها مبادرت نماید، زیرا، ریسک‌های مذکور در ادبیات مختلف علمی مربوط به بانکداری سنتی و بعضاً بانکداری اسلامی تبیین و تشریح گردیده و روش‌های شناخت، ارزیابی، کنترل و مآلا پیشگیری و کاهش آن‌ها کم و بیش مورد امعان نظر قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

باتوجه به مراتب فوق و با آگاهی از انواع ریسک‌های مختلفی که به طور کلی بانک‌ها را تهدید می‌کند، ممکن است ریسک‌های مذکور را از دیدگاه بانکداری اسلامی به گروه‌های زیر نیز تقسیم بندی نمود:

۱- ساده‌ترین روش (تکنیک) برای شناخت ریسک هر عمل، تبیین مراحل مختلف اقدام به آن عمل از بدو شروع به عمل و انجام اقدامات لازم در هر مرحله تا پایان عمل مزبور می‌باشد. بدین ترتیب، با سهولت می‌توان مخاطرات متصوره برای عملیات بانکی و اقدامات مرتبط با هریک از عملیات را تشخیص و شیوه‌های لازم برای کنترل و پیشگیری از آن اقدامات را ارائه نمود به عبارت دیگر، هرگامی که در بانک برداشته می‌شود، می‌تواند منشأ ریسک باشد. شناخت سیستماتیک گام به گام اقدامات در هر زمینه و عمل بانکی، زیر ساختار شناسایی و مدیریت ریسک است. نمونه‌ای از این روش در صفحات ۱۰۹ و ۱۱۰ مقاله ارائه شده است.

- ۱- ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی نیستند، لکن، این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیر اسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
- ۲- ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی هستند، لکن، این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیر اسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
- ۳- ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی هستند ولی این عملیات فقط در بانک اسلامی اجرا می‌شوند.

این گروه بندی موجب می‌شود که از دیدگاه بانکداری اسلامی، تحلیل ریسک و مدیریت آن آسان‌تر شود، زیرا، نظرات مختلفی که تاکنون در ادبیات علمی ارائه شده، مفصلاً ریسک و مدیریت آن را در زمینه گروه‌های (۱) و (۲) بالا مورد بحث و تحلیل کافی قرار داده است. طبعاً تکرار آن موارد در این مقاله ضرورت ندارد. مصادیق ریسک در گروه (۱) بیشتر از جمله مصادیق ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است که اصطلاحاً به آن‌ها ریسک عملیاتی اطلاق می‌شود. چون این فعالیت‌ها و عملیات با موازین اسلامی تعارض ندارد. لذا، کاربرد آن‌ها در هر دو محیط بانک اسلامی و غیراسلامی یکسان است. این قبیل ریسک‌ها نظیر ریسک‌های مربوط به نقل و انتقال وجوه، حواله وجه از محلی به محل دیگر، وصول چک، برات، سفته، اختلاس، دزدی کلاهبرداری، سرقت مسلحانه و امثال آن را دربر می‌گیرد، طبعاً هر تحلیلی در زمینه این قبیل ریسک‌ها در ادبیات مربوط به بانکداری سنتی ارائه بشود. قابل تسری به موارد مشابه آن در بانکداری اسلامی نیز می‌باشد.

گروه دوم، آن دسته از عملیاتی را شامل می‌شود که به رغم ماهیت اسلامی آنها در هر دو محیط بانک اسلامی و غیراسلامی به کار گرفته می‌شوند. در نتیجه، قسمت عمده و شاید تمام ریسک‌های ناشی از این عملیات در هر دو محیط یکسان است. تسهیلات مربوط به اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، اعطای قرض یا وام (در شکل حسنه)، قبول سپرده‌های استقراضی، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک، خرید و فروش سهام، نمونه‌هایی از این موارد می‌باشند، که ریسک و مدیریت آن در اینگونه موارد در هر دو محیط کاملاً مشابه هستند، از اینرو، بحث در این موارد نیز، به دلیل وجود ادبیات نسبتاً وافر در زمینه ریسک و مدیریت ریسک در بانکداری سنتی، در این مقاله صورت نمی‌گیرد.

گروه سوم، گروهی خاصی است که ریسک آن‌ها منتج از فعالیت‌هایی است که هم ماهیتاً تابع احکام و موازین اسلامی می‌باشد و هم مشابه این عملیات در بانکداری سنتی وجود ندارد. در نتیجه، بررسی و شناخت ریسک در این فعالیت‌ها حتی در جزئیات مربوط به آن‌ها نیز ضرورت دارد. لزوماً یادآوری می‌شود که شناخت ریسک در اینگونه فعالیت‌ها، همان‌طور که قبلاً ذکر شد،

مستلزم شناخت عمیق و جامع از رفتارهای اسلامی در مورد آنها است. طبعاً، تنها در این صورت ممکن است به شناخت، اندازه‌گیری و کنترل و مآلاً به پیشگیری و کاهش مطلوب از بروز ریسک در فعالیت‌های موصوف مبادرت نمود.

ریسک و مدیریت آن در زمینه عملیات بانکی اسلامی توسط نویسندگان بانکداری سنتی مورد بحث قرار نگرفته است. لکن، تئورسین‌های اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی کم و بیش نظریات متفاوتی در این مورد ارائه داده‌اند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، این نظریات نمی‌تواند به دلایل زیر، جامعیت و وحدت نظر لازم را داشته باشد. زیرا، در نظریات ارائه شده سه نوع تفکر دیده می‌شود:

۱- برخی از نویسندگان معتقدند موازین شرعی در مورد این فعالیت‌های بانکی ثابت و لایتغیر و حتی غیر قابل انعطاف می‌باشد. این دسته از نویسندگان راه چاره برای برخورد با ریسک در این موارد را بسیار مشکل می‌پندارند.

۲- برخی از متفکرین مطابق بینش و برداشت و نهایتاً باور خود از موازین شرعی حاکم بر این فعالیت‌ها، در مورد ریسک آن‌ها اظهار نظر می‌کنند که بعضاً با ماهیت موضوع همخوانی ندارد.

۳- بالاخره گروهی از نظریه پردازان اعتقاد دارند که حتی پیچیده‌ترین موارد و احکام شرعی، انعطاف‌پذیری لازم را برای یافتن راه حل شرعی جهت خروج از بن‌بست‌هایی که گروه اول غیرممکن می‌دانند وجود دارد. از اینرو، می‌توان با استفاده از موازین شرعی، شیوه‌های مناسب و منطقی برای پیشگیری و کاهش ریسک در همه موارد، یا لاقلاً برای بسیاری از آن‌ها جستجو کرد.

این نویسنده نیز خود را در گروه سوم می‌بیند و بر این باور است که راه حل‌های شرعی مناسب و منطقی حتی برای مشکل‌ترین شرایط موجود به فعالیت‌های بانکی اسلامی در جهت تسهیل انجام آن فعالیت‌ها وجود دارد. با توجه به این مطلب، می‌توان با تمهیدات لازم بسیاری از ریسک‌های ناخواسته مربوط به فعالیت بانکی اسلامی را کنترل و پیشگیری نموده و مآلاً کاهش داد، با این طرز تفکر، اینک به بررسی و شناخت ریسک‌های خاص عملیات بانکی اسلامی و شیوه‌های پیشگیری از آن‌ها مبادرت می‌شود.

## کلیات

اصولاً ساختار ترازنامه واحدهای اقتصادی، منجمله بانک‌ها به طور کلی به گونه‌ای است که مجموعه فعالیت‌های مالی آن‌ها را از بدو تأسیس تا لحظه بررسی در دو طرف ترازنامه یعنی دارائی‌ها (یا مصارف) و بدهی‌ها (یا منابع) آنها منعکس و متمرکز می‌کند. نگاهی گذرا به ترازنامه

یک بانک اسلامی در ابتدا و پایان یک دوره فرضی نیز همین وضعیت را به شرح ذیل نشان می‌دهد:

ترازنامه بانک اسلامی  
در ابتدای دوره فرضی مورد بررسی

بدهی‌ها (یا منابع)		دارائی‌ها (یا مصارف)
$R_1$	۱- سرمایه	$A_1$ ۱- نقد و شبه نقد پرتفوی اعتباری:
$R_2$	۲- سپرده‌های استقراضی	$A_2$ ۲- دارائی‌های مشابه با دارائی‌های بانک‌های سنتی
$R_3$	۳- سپرده‌های وکالتی	$A_3$ ۳- دارائی‌های غیرمشابه یا دارائی‌های بانک‌های سنتی
$R_4$	سایر	$A_4$ ۴- سایر دارائی‌ها
۱۰۰	جمع	۱۰۰

نظر به اینکه مدیریت ریسک همواره در مورد اقدامات آتی صورت می‌گیرد، لذا برای شناخت بیشتر محدوده مدیریت مزبور، فرض می‌شود که در یک دوره مالی کل سود<sup>۱</sup> قابل تقسیم بین بانک اسلامی و سپرده‌گذار وکالتی ( $P$ ) باشد. در نتیجه، ترازنامه یا وضعیت مالی بانک اسلامی در پایان دوره مالی مورد مطالعه، با فرض اینکه فعالیت بانکی مذکور در طول دوره،  $g$  درصد رشد داشته باشد، به شرح ذیل در خواهد آمد:

۱- برای سادگی تحلیل فرض شده است نتیجه فعالیت‌های بانک اسلامی در طول یک دوره منجر به سود می‌شود.



ترازنامه بانک اسلامی  
در پایان دوره فرضی مورد بررسی

بدهی ها		دارائی ها	
$R_1$	۱- سرمایه	$A_1$	۱- نقد و شبه نقد پرتفوی اعتباری:
$R_2$	۲- سپرده‌های استقرایی	$A_2$	۲- دارائی‌های مشابه با دارایی‌های بانک‌های سنتی
$R_3$	۳- سپرده‌های وکالتی	$A_3$	۳- دارائی‌های غیرمشابه با دارائی‌های بانک‌های سنتی
$R_4$	۴- سود قابل تقسیم	$A_4$	۴- سایر دارائی‌ها
<u><math>100(1+g)+P</math></u>		<u><math>100(1+g)+P</math></u>	
جمع		جمع	

یادآوری می‌شود که رقم (P) در مجموع، در طرف دارائی‌ها، در طول دوره، به اندازه خود موجب افزایش دارائی‌های مختلف شده است. ضمناً تعمداً جمع ترازنامه در پایان دوره بدین شکل نشان داده شده است. دلیل این مطلب صرفاً برای استفاده و تحلیل‌های بعدی است و نه اینکه لزوماً جمع ترازنامه باید بدین شکل باشد. در عین حال یادآوری می‌شود که هم فعالیت هر بانک در طول تغییر می‌کند و هم نتیجه این فعالیت‌ها مآلاً منجر به سود یا زیان می‌شود.

به طوریکه از وضعیت مالی بالا ملاحظه می‌شود، دارائی‌ها یا در واقع مصارف بانک از چهار بخش متمایز تشکیل شده است. بخش‌های (۱) و (۴) سهم اندکی از کل مصارف را در بر می‌گیرد. بحث مدیریت ریسک در این دو مورد، هرچند اهمیت فراوانی دارد، لکن، به دلایل گفته شده، خارج از بحث موضوع این مقاله می‌باشد. بخش‌های (۲) و (۳) که سهم آن‌ها از کل دارائی‌ها، بسیار زیاد است، پرتفوی اعتباری یا تسهیلات اعطائی بانک را تشکیل می‌دهد. این دارائی‌ها در بانکداری اسلامی یا در شکل دارائی‌های مالی و یا در شکل دارائی‌های فیزیکی در ترازنامه ظاهر می‌شود. بررسی اثر ریسک بر این دارائی‌ها و پیشگیری کاهش آن، به ویژه در مورد بخش (۳) که منحصرأ از طریق ابزارهای اسلامی غیر مشابه، با ابزارهای موجود در بانکداری سنتی به وجود آمده‌اند، در قسمت‌های بعدی مورد بحث و تحلیل بیشتری قرار خواهند گرفت.

نکته مهم قابل ذکر در این زمینه این است که ریسک از هر قبیل که باشد مآلاً بر ارزش بعضی از دارایی‌ها و مآلاً بر مجموعه آن‌ها به صورت منفی اثر می‌گذارد و در نتیجه، ارزش دارائی‌های مذکور را کاهش می‌دهد. نکته مهم دیگر این است که این کاهش ارزش مستقیماً و متقابلاً بر

مجموعه منابع (یعنی طرف دیگر ترازنامه) به همان اندازه تأثیر می‌گذارد. اولین بحث اساسی این است که چگونه از کاهش ارزش دارایی‌ها، یا در واقع از میزان ریسک قابل پیش‌بینی، از طریق مدیریت مطلوب ریسک، پیش‌گیری شود. دومین بحث اساسی این است که ریسک غیر قابل پیش‌گیری، چگونه بین منابع مختلف یا در واقع صاحبان منابع، توزیع شود. تفاوت اساسی بین نظام بانکداری سنتی و بانکداری اسلامی در زمینه توزیع ریسک بین صاحبان منابع در هر یک از این دو نظام، به شیوه توزیع ریسک غیر قابل پیش‌گیری در آن‌ها نیز مربوط می‌شود.

در ادامه این بحث، اهتمام لازم، به کار خواهد رفت تا بدواً مجموعه ریسک‌های متصوره از فعالیت‌های اقتصادی که در اثر تسهیلات اعتباری بانک‌ها به وجود می‌آیند، ارزیابی شده و سپس با تبیین محیط و شرایط حاکم بر بانکداری سنتی و اسلامی نحوه تأثیر و توزیع ریسک، به طور کلی، در این دو نوع بانکداری بررسی شود.

### مجموعه ریسک در بانکداری

مجموعه ریسک در بانکداری می‌تواند به طور کلی به دو دسته ریسک فعالیت‌های اقتصادی و ریسک برون‌سازمانی نیز تقسیم شود. در مورد ریسک فعالیت‌های اقتصادی باید اذعان داشت که به طور کلی، در هر عمل اقتصادی از بدو شروع تا پایان عمل، منجمله در عملیات اقتصادی که با منابع بانکی به وجود می‌آید، میزان معینی ریسک وجود دارد. میزان ریسک فعالیت اقتصادی می‌تواند شامل ریسک مالی، تجاری، سیاست‌گذاری، شرایط اقتصادی، سیاسی،... و امثال آن باشد. در هر صورت میزان ریسک، فعالیت اقتصادی در هر شکلی که باشد مستقل از نوع و روش تأمین منابع مالی برای آن فعالیت است. با پذیرش این اصل اساسی، می‌توان چنین نتیجه گرفت، که از یک طرف، کلیه ریسک‌های ناشی از مجموعه<sup>۱</sup>، فعالیت‌های اقتصادی که تمام یا بخشی از منابع آن توسط بانک تأمین گردیده از یک طرف قابل اندازه‌گیری بوده و از طرف دیگر، مستقل از شیوه‌های تأمین منابع مالی اینگونه فعالیت‌ها می‌باشد. در عین حال، برعکس مطلب اخیر، توزیع ریسک فعالیت‌های اقتصادی، بین منابع مالی مختلفی که در سرمایه‌گذاری این فعالیت‌ها مشارکت داشته (در واقع بین تأمین‌کنندگان مالی این فعالیت‌ها) به نوع و شیوه تأمین مالی آن‌ها مربوط می‌شود. یکی از تفاوت‌های اساسی بانکداری سنتی و بانکداری اسلامی نیز همین مطلب است که تأمین منابع مالی (Financing) برای فعالیت‌های اقتصادی توسط

۱- البته می‌توان ریسک مجموعه را با شیوه‌های علمی ثابت شده، مثلاً با تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی بانک، به حداقل رساند. این مطلب بحثی خارج از موضوع این مقاله می‌باشد.

آن‌ها با دو شیوه کاملاً متفاوت صورت می‌گیرد. ضمناً، شیوه تجهیز منابع نیز یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی این دو نظام بانکداری است که در هر دوی آنها متفاوت می‌باشد. این تفاوت‌ها موجب می‌شود که ریسک فعالیت‌های بانکی در دو نظام به صورتی متفاوت بین سپرده‌گذاران و صاحبان سرمایه آنها توزیع شود.

البته، یک اصل اساسی اقتصادی را باید همواره در نظر داشت که بازده تابعی از قیمت ریسک و عوامل دیگر است. بحث در زمینه رابطه ریسک و بازده خارج از موضوع این مقاله است. در هر صورت، با توجه به رابطه مذکور که در نشریات علمی مفصلاً تشریح شده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت، که بازده بیشتر همراه با ریسک بیشتر و بازده کمتر همراه ریسک کمتر خواهد بود. هر تصمیمی بر عدول از این قاعده کلی، کماکان باید هر دو مورد (ریسک و بازده) را مد نظر قرار دهد.

از مباحث و تحلیل‌های بالا، این نتیجه حاصل می‌شود که ریسک فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها که عمدتاً به تسهیلات اعطائی آنها مربوط می‌شود، مقدار معینی را تشکیل می‌دهد که در مورد هم بانکداری اسلامی و هم بانکداری سنتی به یک اندازه بوده و قابل اندازه‌گیری است. بدیهی است. این میزان ریسک که بانک اعم از بانکداری سنتی یا بانکداری اسلامی، باید آن را تحمل کنند، ریسک برون سازمانی است.

نکته مهمی که باید در اینجا به آن اشاره شود، این است که بانک قاعده‌تاً نباید در فعالیت‌های اقتصادی به صورت حضوری نقش ایفا نماید. انجام این نقش طبعاً مقداری ریسک مباشرت و بعضاً ریسک مالکیت را برای بانک در بر خواهد داشت. نکته مهم دیگر در همین مورد این است که در بانکداری اسلامی این نقش‌های مزبور می‌تواند با تفویض اختیار منتقل شود تا بدین ترتیب، این امکان بوجود آید که این بخش از ریسک از دوش بانک برداشته شود. در قسمت‌های بعدی این مطلب بیشتر مورد تحلیل واقع خواهد شد.

علاوه بر این میزان ریسک، ریسک‌های دیگری نیز وجود دارد که از رفتار خود بانک حاصل می‌گردد. چنانچه این ریسک‌ها را، همانطور که ذکر شد. ریسک‌های درون سازمانی تلقی کنیم. درک آن آسانتر خواهد بود. این قبیل ریسک‌ها نوعاً ریسک اقداماتی است که از رفتار خود بانک در درون بانک نشأت می‌گیرد. مصادیق این قبیل ریسک‌ها قبلاً ذکر شده است.

باتوجه به مراتب فوق، زمینه لازم برای نحوه توزیع ریسک در دو نظام بانکداری آماده شده است. لکن، برای بحث و تحلیل بیشتر در این زمینه، ضرورت دارد. محیط، شرایط و فروض حاکم بر دو شیوه بانکداری به صورت مختصر تشریح شود تا درک توزیع ریسک در آن دو نظام آسان‌تر گردد.

### شرایط حاکم بر بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی

بانکداری یکی از شقوق واسطه‌گری وجوه است. بر این اساس، موسسات اعتباری به طور کلی و بانک‌ها به طور اخص از یک طرف به تجهیز منابع پس اندازهای جامعه و از طرف دیگر به تخصیص این پس اندازها به امور مختلف اقتصادی مبادرت می‌ورزند. این رفتارهای اساسی هم در مورد بانک‌های سنتی و هم در مورد بانک‌های اسلامی مصداق دارد. تفاوت اصلی این دو روش بانکداری عمدتاً از شیوه رفتاری حقوقی آنها نشأت می‌گیرد.

شیوه رفتاری حقوقی در بانک‌های سنتی به گونه‌ای است که هم تجهیز منابع و هم مصرف منابع در آنها، عمدتاً بر مبنای عقد قرض یا در واقع بر مبنای "وام" صورت می‌گیرد. به عبارت کلی‌تر، در هر دو زمینه رفتار این بانک‌ها بر اساس معامله "مثل" و "مثل" (معامله "پول" با "پول" یا "سرمایه" با "سرمایه") با دریافت مبلغی اضافه می‌باشد. از دیدگاه اسلامی، رقم اضافی دریافتی روی معاملات "مثل" و "مثل"، "ربا" تلقی می‌شود.<sup>۱</sup> در حالی که بانک‌های اسلامی ماهیتاً نمی‌توانند به معامله "مثل" و "مثل"، مگر در شکل حسنه آن، مبادرت ورزند. از اینرو، بانک‌های اسلامی، ناگزیر منابع خود را با شیوه‌ای تجهیز و مصرف می‌کنند که از معامله "مثل" و "مثل"، مگر در شکل حسنه آن، اجتناب نمایند. برعکس، این بانک‌ها منابع خود را از طریق معاملات "مثل" و "غیر مثل" (Conversion) مصرف می‌نمایند. به عبارت دیگر، منابع مالی خود را در شکل مالکیتی یا مشارکتی با کالا و خدمات مبادله نموده و سپس مالکیت این کالا و خدمات را به گیرنده تسهیلات منتقل نموده و نهایتاً با دریافت قیمت این کالا و خدمات منابع مالی خود را مسترد می‌دارند. تقریباً ریشه اکثر قریب به اتفاق این معاملات عقد "بیع" می‌باشد.

بدیهی است این تفاوت شیوه رفتاری در دو نظام بانکداری، هم بر شکل عملکرد اقتصادی و هم بر محتوا و مآل آن نتیجه عملکرد اقتصادی این دو نوع بانکداری تأثیر کاملاً متفاوتی را در بر خواهد داشت. سؤال مشخص در اینجا این است که کدام شیوه بانکداری با ریسک کمتری مواجه است. به عبارت دیگر، کدام شیوه بانکداری ریسک کمتری برای سهامداران و سپرده‌گذاران خود به همراه خواهد داشت. پاسخ به این سؤال بسیار مشکل است. در این مقاله سعی خواهد شد تا حدودی این موضوع روشن گردد.

۱- بحث تورم و ارزش پول و تأثیر آن بر سپرده‌ها و همچنین تسهیلات بانک‌های اسلامی که نشأت گرفته از معاملات اسلامی است، هرچند بحث صحیحی می‌باشد. لکن خارج از محدوده این مقاله می‌باشد. در این مورد، خواننده را به مطالعه مقاله «تأثیر کاهش قدرت خرید پول بر دارایی‌ها، بدهیها و درآمد اشخاص با تأکید بر دارایی‌ها و بدهیهای بانکهای اسلامی» نوشته اینجانب، چاپ شده در مجموعه مقالات منتشره در هفتمین سمینار بانکداری اسلامی در شهریور ماه ۱۳۷۵ توصیه می‌کند.

همانطور که قبلاً تشریح شد، از دیدگاه علمی مجموعه فعالیت‌های اقتصادی که از محل منابع بانک‌ها شکل می‌گیرد، میزان معینی ریسک‌های مختلف در برخواهد داشت که از جهات نظری قابل اندازه‌گیری می‌باشد. نکته مهم در این است که این میزان معین از ریسک، با تغییر شیوه تأمین مالی (Financing) تغییر نمی‌کند، لکن، سهم بانکداری سنتی از این میزان ریسک، در صورتی که تمام این فعالیت‌ها با ابزارهای خاص این شیوه بانکداری تأمین منابع شود، با سهم بانکداری اسلامی از آن، در صورتی که تمام این فعالیت‌ها با ابزارهای ویژه شیوه این گونه بانکداری تأمین منابع شود. قطعاً متفاوت خواهد بود. این مطلب بدان معنا نیست که لزوماً اقدام بانکداری بر دیگری، از جهت پذیرش ریسک، ترجیح دارد. بلکه این مطلب بدین معنی است که در هر دو نوع بانکداری باید با مدیریت ریسک، سهم ریسک بانک از فعالیت‌های اقتصادی که با منابع شکل گرفته است، شناسائی، اندازه‌گیری، کنترل و مآلاً پیشگیری و یا در حد لزوم کاهش داده شود، تا سلامت و دوام بانک محفوظ بماند.

### مبانی نحوه توزیع ریسک در دو نظام بانکداری

باتوجه به آنچه قبلاً بیان شد، از یک طرف محیط و شرایط و همچنین رفتارهای بانک‌ها از دیدگاه شکلی و بعضاً محتوایی و همچنین نتیجه عملکرد متفاوت است. طبیعاً همین امر موجب می‌شود که سهم ریسک بانک‌ها از عملیات اقتصادی آنها متفاوت باشد. عمده مطلب هم به نحوه تأمین و تجهیز منابع که قسمت اعظم فعالیت‌های بانکی را تشکیل می‌دهد مربوط می‌شود. به طوری که قبلاً ذکر شد، اصولاً تأمین یا تجهیز منابع می‌تواند در شکل "استقراضی" (وام) یا به صورت مشارکتی یا در واقع به صورت "سرمایه مالکیتی" باشد. بیشترین تفاوت اساسی بین بانکداری سنتی و بانکداری اسلامی نیز در همین است که عمدتاً رفتار بانک سنتی، هم در تجهیز منابع و هم در مصرف منابع به صورت "وام" شکل می‌گیرد. در حالی که بانک اسلامی قسمت اعظم منابع خود را در شکل "سرمایه مالکیتی"<sup>۱</sup> دریافت و مصرف می‌کند از همین رو، مصرف منابع در شکل "سرمایه مالکیتی" می‌تواند به عنوان یکی از اصول اساسی در بانک اسلامی پذیرفته شود. بدیهی است. ریسک "سرمایه مالکیتی" در مقام مقایسه با ریسک "وام" بیشتر است. البته، این اصل بر پایه اصول علم اقتصاد و مدیریت مالی (Finance) نیز منطقی و

۱- منظور از "سرمایه مالکیتی" منابعی است که در فعالیت‌های اقتصادی به صورت سرمایه به کار گرفته می‌شود و ریسک مالکیت را می‌پذیرد. برای بحث و مطالعه بیشتر در این مورد، به ویژه در مورد تفاوت "سرمایه مالکیتی" و "وام" به مقاله اینجانب، تحت عنوان «بانکداری اسلامی؛ شیوه نظری، منتشر شده در پنجمین مجموعه مقالات بانکداری اسلامی، شهریور ۱۳۷۳» مراجعه شود.

موجه شناخته شده است.

در عین حال و باتوجه به مراتب فوق، یک نکته مهم که از نظر برخی از نویسندگان و نظریه پردازان بانکداری اسلامی درمورد این اصل نادیده گرفته می شود و یا کمتر به آن توجه می شود، اینست که قبول ریسک بالاتر "باید" همراه با درآمدی مآلاً سود بالاتر باشد. در غیر اینصورت امری بی منطق خواهد بود که مثلاً تأمین منابع در شکل "سرمایه مالکیتی" باشد لکن، ریسکی معادل تأمین منابع در شکل "وام" برای آن انتظار برود. نتیجه حاصل از این بحث اینست که فعالیت در دو نظام بانکداری، نظیر همه فعالیت های دیگر، قبول ریسک کمتر با درآمد یا بازده کمتر و قبول ریسک بیشتر با درآمد یا بازده بیشتر ملازمه دارد. این مطلب نیز می تواند به عنوان یک اصل اساسی دیگر پذیرفته شود.

بحث دیگری که در میان بسیاری از نویسندگان به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به آن اشاره می شود اینست که اخذ "وثیقه" برای "وام" موضوعی پذیرفتنی است، در حالیکه، در مشارکت اخذ "وثیقه" منطق ندارد. شاید محتوای ذهنی نویسندگان این باشد که اخذ "وثیقه" در مشارکت ممکن است با روح مشارکت و یا با موازین شرعی در تعارض باشد. این مطلب قابل تأمل است. زیرا، اخذ "وثیقه" در "وام" و یا هر مورد دیگر برای کاهش یا پوشش ریسک به کار می رود و اصل وجود ریسک رانفی نمی کند. با آگاهی از این مطلب که ریسک در هر صورت در همه فعالیت های اقتصادی اعم از اینکه منابع در آنها در شکل مالکیتی یا استقراضی به کار رفته باشد، وجود دارد، لذا، برای کاهش یا پوشش مشارکت نیز می توان با تمهیداتی مناسب و "مشابه" "وثیقه"، چاره اندیشی نمود، بدون اینکه ماهیت مشارکت را مخدوش کند یا تعارضی با موازین اسلامی داشته باشد. دلیل عمده این مطلب نیز به انعطاف پذیری موازین شرعی در مورد تسهیلات مشارکتی بر می گردد. اغلب نویسندگان یا به این انعطاف پذیری باور ندارند و خود را در چارچوب مقررات محض عملیاتی مشارکتی محدود کرده اند، یا باور دارند که عدول از ضوابط مشارکت موجب تغییر محتوای عملیات مشارکتی می شود. در حالیکه این نویسنده بر این باور است که هم می توان در چارچوب عملیات مشارکتی و دقیقاً براساس موازین شرعی تمهیداتی به کار برد تا هم ریسک کاهش یابد و هم "تأمین های" لازم برای پوشش ریسک اخذ گردد. بعضی از نمونه های آن درحال حاضر در اشکال مورد عمل نیز وجود دارد. سهام ممتاز، سهم الشرکه، ممتاز، از جمله مشارکت با درآمد و ریسک متفاوت است. اجاره به شرط تملیک، مصداق عملی اعطای تسهیلات مالکیتی با وثیقه است که هم در نظام بانکداری سنتی و هم در نظام بانکداری اسلامی وجود دارد. در اجاره به شرط تملیک انتقال مالکیت هم می تواند "تدریجی" باشد و هم در انتهای مدت انتقال مالکیت دفعه واحده صورت پذیرد. در حالیکه تعمداً انتقال مالکیت در

انتهای مدت انتخاب می‌شود تا پوشش کافی برای تسهیلات بانک وجود داشته باشد. در این گونه عمل، ارزش وثیقه‌ای، مرتباً در مقابل مانده تسهیلات اضافه می‌شود. با سهولت می‌توان استدلال نمود که شیوه وثیقه‌گیری در اجاره به شرط تملیک، بر شیوه وثیقه‌گیری معمولی در بانکداری سنتی ترجیح دارد. در مشارکت نیز بر پایه انعطاف پذیری که در شرایط آن وجود دارد، می‌توان تمهیداتی به کار گرفت که هم بازده آن به نحو مطلوب، حاصل گردد و هم ریسک آن پوشش داده شود، بدون اینکه با موازین شرعی تعارضی داشته باشد.

منطق این انعطاف پذیری نیز ساده است. زیرا، براساس موازین مشارکت، هرگونه تفاهم بین شرکا، برای تسهیم سود، تسهیم ریسک و تسهیم مانده سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر است، مشروط بر اینکه ماهیت مشارکت را برهم نزنند. تفاهم در تسهیم سود، میزان یا تناسب سود را برای طرفین تعیین می‌کند. این تفاهم می‌تواند متناسب با میزان سرمایه نباشد. تفاهم در تسهیم سود قاعداً باید با تفاهم در تسهیم ریسک همراه باشد. این تفاهم براساس منطق اقتصادی پذیرفته شده، قابل توجیه به نظر می‌رسد. در این صورت، یک شریک یا عده‌ای از شرکاء می‌توانند سود بیشتر و در نتیجه ریسک بیشتر و برعکس، یک شریک یا تعدادی دیگر سود کمتر و ریسک کمتر را قبول کنند. با این ترتیب، مشکل تسهیم سود و ریسک حل می‌شود. در مورد وثیقه نیز مشکل قابل حل به نظر می‌رسد. همان‌طور که ذکر شد، علی‌رغم این مطلب که اجاره به شرط تملیک "تسهیلات مالکیتی" است لکن، "وثیقه" برای پوشش ریسک را در خود دارد. بر مبنای همین شیوه، در تسهیلات اعطائی مشارکتی که ذاتاً "تسهیلات مالکیتی" است می‌توان با استفاده از همین اصل و در واقع با انتقال تدریجی سهم الشرکه، در نهایت مالکیت‌داری‌های مشارکت را منتقل نمود. البته ظاهر مطلب اندکی تعجب‌آور به نظر می‌رسد. لکن، اغلب نوآوری‌ها با همین تعجب و بعضاً با مقاومت روبرو می‌شود. آنچه مهم است، اینست که واقعاً در نظام بانکداری اسلامی توسل به چنین تمهیداتی مشروط بر اینکه معارض با موازین شرعی نباشد می‌تواند در جهت تسهیل امور به کار گرفته شود. برخی از نویسندگان معتقدند که چنین شیوه‌هایی، عملیات بانکداری اسلامی را مشابه عملیات بانکداری سنتی می‌کند. اگرچه ممکن است چنین شباهتی به وجود آید، لکن ماهیت عملیات که باید با موازین شرعی در تعارض نباشد، دست نخورده باقی می‌ماند. در هر صورت، شباهت عمل یا شباهت نتیجه، اگر نافی اصول و موازین حاکم بر نظام بانکداری اسلامی نباشد، می‌تواند برای تسهیل در امور بانکی پذیرفته شود، زیرا، هدف نهائی آن است که مآلاً بانکداری اسلامی به طرفی برود که با تکیه بر منابع پس‌انداز جامعه و یا ایجاد انگیزه‌های لازم فعالیت‌های اقتصادی را در جامعه گسترش دهد و در عین حال، منافع سپرده‌گذاران را نیز به نحو احسن تأمین نماید، بدون اینکه، در جامعه اسلامی،

از موازین اسلامی حاکم در این زمینه عدول نماید.

نتیجه‌گیری حاصل از این بحث دستاورد اصول ذیل می‌باشد:

اصل اول: بانکداری اسلامی مصرف و تجهیز منابع خود را عمدتاً به صورت "مالکیتی" انجام می‌دهد. درحالی که برعکس در بانکداری سنتی مصرف و تجهیز منابع به صورت "وام" شکل می‌گیرد.

نتیجه: در بانکداری سنتی ریسک مصرف منابع مستقل از ریسک تجهیز منابع خواهد بود. درحالیکه در بانکداری اسلامی ریسک مصرف و تجهیز منابع عمدتاً به هم وابسته است. در نتیجه توزیع ریسک در این دو بانکداری متفاوت است.

اصل دوم: از لحاظ اصول علمی، معمولاً در سرمایه‌گذاری در هر شکل آن، بازده کمتر با ریسک کمتر و بازده بیشتر با ریسک بیشتر توأم است. ریسک بانک سنتی در فعالیت استقرایی کمتر است چون در واقع بازده آن نیز کمتر است، ریسک بانک اسلامی در فعالیت مالکیتی بیشتر است، طبعاً بازده آن نیز باید بیشتر باشد.

نتیجه: تفاهم در توزیع "ریسک" و "بازده" در فعالیت‌های مالکیتی می‌تواند، سرآغاز ابداع روشی برای کاهش ریسک برای بانک اسلامی باشد.

اصل سوم: وثیقه در "وام" برای پوشش ریسک تجویز می‌شود. در تسهیلات مالکیتی وثیقه در اشکال دیگری مثلاً در شکل تضمین حسن اجراء، وجه التزام، قابل تأمین است.

نتیجه: پوشش ریسک در بانکداری اسلامی، به رغم مالکیتی بودن ماهیت تسهیلات آن، وجود دارد، یا لاقلاً می‌تواند در اشکال منطقی به وجود آید.

### ریسک‌های ناشی از عملیات غیر مشابه در دو نظام بانکی و نحوه توزیع آنها

در مباحث قبلی ذکر شد که بسیاری از عملیات بانک‌های اسلامی مشابه عملیات بانک‌های سنتی است و مدیریت ریسک در این قبیل عملیات قبلاً بارها در ادبیات مختلف بانکداری و اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. لکن، در زمینه مدیریت ریسک در عملیات غیرمشابه این بانکها با بانکهای سنتی، یعنی آن دسته از عملیاتی که به اصطلاح عملیات "مشارکتی" یا "مالکیتی" است و در اجرای آنها هم باید از احکام اسلامی تبعیت شود، و هم منحصرأ این‌گونه عملیات در بانک‌های اسلامی انجام می‌شود، بحث زیادی به عمل نیامده است. این عملیات می‌تواند به دو بخش متمایز تقسیم گردد. بخش اول، عملیات مربوط به مصرف منابع یا اعطای تسهیلات را در بر می‌گیرد. در واقع، در این بخش، ریسک اعتباری ناشی از عملیات اعتباری "مالکیتی" است که منحصرأ در بانک‌های اسلامی انجام می‌شود. بخش دوم،



عملیات مربوط تجهیز منابع را در بر می‌گیرد که عمدتاً نحوه رفتار بانک اسلامی در زمینه جذب سپرده‌های "وکالتی" را بیان می‌دارد.

در ادامه مطلب قبلی، در این قسمت از مقاله موضوع ریسک اعتباری در زمینه‌های خاص، و همچنین ریسک سپرده‌های "وکالتی" مورد مذاقه قرار می‌گیرد. هرچند بحث در زمینه عملیات خاص منحصر به بانک‌های اسلامی است، لکن، به منظور استدلال بیشتر سعی خواهد شد، در مواردی که ضرورت دارد، اقدامات غیرمشابه رفتار بانک سنتی با بانک اسلامی نیز در بحث گنجانیده شده تا موضوع بیشتر روشن شود.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، برای بررسی ریسک، منجمله ریسک اعتباری، می‌توان اقدامات مربوط به هر عمل را گام به گام برشمرد و مخاطراتی که ممکن است در مراحل مختلف، از بدو شروع اقدامات تا خاتمه انجام آنها اقدام وجود داشته باشد، مشخص، ارزیابی و کنترل و پیشگیری نمود. و مآلاً آن را در حد لازم کاهش داد. برای تعیین ریسک‌های مرتبط با تسهیلات اعتباری "مشارکتی"، مراحل اقدامات مربوط به تسهیلات اعتباری در همه انواع اعتبارات "مشارکتی"، منجمله تسهیلات اعتباری "مشارکت" به شرح ذیل مشخص می‌شود:

۱ - دریافت تقاضا

۲ - جمع‌آوری اطلاعات

۳ - بررسی تقاضا

۴ - پیشنهاد اعتبار

۵ - تصویب اعتبار

انجام اقدامات مذکور، به ویژه انجام جزئیات یعنی گام به گام هر یک از آنها که می‌تواند ریسک‌های متعددی داشته باشد که در هر دو نظام یکسان می‌باشد، ریسک‌های ناشی از این اقدامات نظیر ریسک اشتباهات، اطلاعات نادرست، خطای پیش‌بینی‌ها، ریسک تخلفات، پیشنهاد رقم نادرست برای تصویب، کارشناسی نامطلوب، برخورد غیر مسئولانه نیروی انسانی، تصویب اشتباه، تصویب نادرست،... و نظایر آنها همگی از جمله ریسک‌های عملیاتی است که به دلیل مشابه بودن اقدامات مورد اشاره ریسک آنها نیز در هر دو نظام تقریباً یکسان است. پیشگیری و کاهش ریسک نیز در هر دو نظام مشابه است. این پیش‌گیری‌ها می‌تواند به صورت، نظام کارآمد کنترل داخلی، آموزش، مراقبت مستمر و پی‌گیری مدیریت‌های قسمت‌ها، انتخاب کادر کارشناسی قوی، برقراری سیستم تنبیه و تشویق... و دهها مطلب دیگر که در ادبیات مربوط به مدیریت ریسک تحلیل شده است صورت بگیرد. همانطور که قبلاً ذکر شد، در این مقاله از

تکرار بحث در این زمینه خودداری می‌شود.

اقدامات مربوط به مراحل بعدی اعطای تسهیلات به نحوی صورت می‌گیرد که هر یک از دو نظام رفتار متفاوتی در مورد آنها دارد و کاملاً غیر مشابه می‌باشد. در نتیجه، ریسک ناشی از اقدامات مربوط به این مراحل در هر یک از دو نظام کاملاً متفاوت می‌باشد. مراحل و اقدامات غیر مشابه به ترتیب انجام عبارتند از:

مراحل و اقدامات	بانک اسلامی	بانک سنتی
۶- انعقاد قرارداد	براساس ضوابط و مقررات - متکی بر موازین شرعی	براساس ضوابط و مقررات حاکم در کشور مربوط
۷- پرداخت وجه تسهیلات	به صورت کالا و خدمات	به صورت وجه نقد
۸- مصرف اعتبار	در مصرف حضور دارد.	حضور ندارد.
۹- بهره برداری از سرمایه‌گذاری	در مصرف حضور دارد.	حضور ندارد.
۱۰- واریز تسهیلات	حضور دارد و وصول می‌کند.	حضور ندارد و فقط وصول می‌کند.
۱۱- نظارت	عمدتاً	بعضاً حضور دارد.

به طوری که ملاحظه می‌شود، مراحل و اقدامات بالا هر یک متضمن ریسک‌های متعددی است که بانک‌های سنتی خود را از درگیری در بسیاری از آنها آزاد می‌کنند و ریسک ناشی از اعطای تسهیلات را به گیرنده تسهیلات منتقل می‌نمایند. به عبارت دیگر، بانک سنتی، پس از انعقاد قرارداد وجه تسهیلات را طبق ضوابط حاکم بر قرارداد، برای هر نوع مصرف، اعم از کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت به صورت نقد به گیرنده پرداخت می‌نماید و در سررسیدهای معین آن را وصول می‌کند. این مطلب بدان معنی نیست که ریسک در مصرف تسهیلات و واریز آن وجود ندارد. بلکه بدان معنی است که ریسک موجود به گیرنده تسهیلات منتقل و با دریافت وثیقه پوشش داده شده است. از این بحث، فوراً دو نتیجه اساسی حاصل می‌شود. نتیجه اول، وجود ریسک در تسهیلات که توسط بانک‌ها اعطا می‌شود و نتیجه دوم، پوشش و انتقال ریسک در بانکداری سنتی است که با اخذ وثیقه به گیرنده تسهیلات منتقل می‌شود. پس، در حدی که وثیقه ریسک را پوشش ندهد، باز هم ریسک باقیمانده برای هر دو نظام یکسان است. لکن، در

۱- منظور از سرمایه‌گذاری، اعطای تسهیلات در هر شکل، اعم از کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می‌باشد. به عبارت دیگر به کارگیری منابع در هر شکل و فرم و با هر ابزار، سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود.

نظام بانکداری اسلامی موضوع تحمل ریسک و میزان آن بحث دیگری دارد.<sup>۱</sup> تفاوت‌ها، همانطور که در بالا تشریح شده است عمدتاً مربوط به شیوه رفتاری اسلامی یا در واقع رفتار حقوقی حاکم بر روابط بانک و گیرنده تسهیلات اعتباری بروز می‌کند. این روابط از مرحله انعقاد قرارداد شروع می‌شود. انعقاد قراردادهای اسلامی به دلیل ضوابط و موازین شرعی حاکم بر آنها، علاوه بر مقررات بانکی، بسیار پیچیده‌تر و مشکل‌تر از انعقاد قراردادهای مشابه در بانکداری سنتی است. در انعقاد این گونه قراردادهای، اشراف به مسائل شرعی، حقوقی و تخصص سطح بالا ضرورت دارد. اشتباهات و خطاهای قراردادی ممکن است موجب شود که عنداللزوم قراردادهای مذکور در محاکم قضائی به دلیل عدم تبعیت آنها از موازین شرعی مفاد قرارداد باطل اعلام و منافع بانک با خطر مواجه شود. استفاده بانک از خدمات حقوقدانان برجسته و آگاه بر موازین شرعی و مقررات و ضوابط بانکی می‌تواند در حفظ منابع بانک نقش ارزنده داشته باشد. نکته مهم در اینجا این است که این قراردادهای منشأ همه رفتارها و اقدامات بعدی بانک است که می‌تواند خوب به نتیجه برسد و یا نتیجه نامطلوب داشته باشد. قدم بعدی، پرداخت وجه تسهیلات است که در بانکداری اسلامی، اصولاً نمی‌تواند، مگر در موارد خاص، به صورت نقد<sup>۲</sup> باشد. موارد خاص، شامل سلف و مضاربه و بعضاً پرداخت وجه نقد در مشارکت بر می‌گردد. زیرا، همانطور که قبلاً ذکر شد، بدلیل موازین شرعی، پرداخت وجه نقد و در مقابل آن دریافت وجه نقد، معامه مثل و مثل تلقی شده و احياناً ممکن است شبهه "ربا" داشته باشد.

در واقع پرداخت وجه اعتبار به دلایل شرعی، الزاماً به صورت کالا و خدمات در می‌آید، خواه در یک نوبت یا در چند نوبت باشد تا بانک اسلامی بتواند با فروش، یا به طور کلی، انتقال مالکیت آنها، سود (یا زیان) حاصل نماید. بدین ترتیب بانک اسلامی در این مرحله وارد معاملات اسلامی که اکثر قریب به اتفاق آنها "بیع" است می‌شود و وجه تسهیلات را تبدیل به کالا و خدمات نموده و به گیرنده تسهیلات تحویل می‌دهد. حضور بانک اسلامی در این قبیل معاملات ملازمه با قبول ریسک بیشتر به ویژه ریسک مباشرت در آنها دارد. پیچیدگی‌های مربوط به تهیه و تدارک کالا و خدمات، معاملات مربوط به آنها، قراردادهای مربوط به آنها، قیمت آنها، احياناً ساخت آنها، کالای ناباب، ساخت متفاوت، کیفیت نامطلوب، زیاد خریدن، کم خریدن،... و موارد بسیار دیگر،

۱- هرچند قرار نیست که بانکداری سنتی، در این زمینه به اعطای تسهیلات مبادرت کند. لکن، برای روشن شدن موارد مغایرت، تعمداً، به موارد مشابه که در بانکداری سنتی به آنها عمل نمی‌شود. در اینجا اشاره شده است.

۲- در اینجا یادآوری می‌شود که پرداخت وجه نقد توسط بانک اسلامی لزوماً به معنی معامله "مثل" و "مثل" نیست. بلکه در همه این موارد بر اساس معاملات شرعی، که پایه همه آنها "بیع" است، معامله "مثل" و غیر "مثل" حاکم است.

ریسک‌های متعدد و متنوعی را برای بانک اسلامی به وجود می‌آورد که پوشش و پیشگیری و کاهش آن بسیار مشکل است. بانک اسلامی نه تخصص و نه نیروی انسانی لازم را در این موارد دارد و نه می‌تواند داشته باشد. در حالیکه چنین ریسک‌هایی در بانکداری سنتی، به دلیل انتقال آن به گیرنده تسهیلات برای بانک وجود ندارد. البته، چنانکه بانک اسلامی بخواهد وارد این جریان شود، می‌تواند با تربیت متخصصین و کارشناسان مجرب، ریسک مباشرت را کمتر کند ولی، در هر صورت حضور بانک در فعالیتهای اقتصادی به مصلحت بانک اسلامی به نظر نمی‌رسد.

مرحله مصرف، مرحله بعدی است که متفاوت از مرحله پرداخت است. هرچند به ظاهر هر دو مرحله یک مطلب را القاء می‌کند، ولی عملاً دو مطلب جداگانه است. پس از تهیه و تدارک کالا، باید اطمینان حاصل شود این کالا و خدمات به مصرف مربوط می‌رسد، در غیر اینصورت، هدف از اعطای تسهیلات حاصل نمی‌شود. زیرا، چنانچه کالا و خدمات به نحو مطلوب به مصرف نرسد، بهره برداری از فعالیت اقتصادی موضوع تسهیلات اعتباری را با مشکل و خطر مواجه می‌کند. در نتیجه، در این مرحله، انحراف از مصرف عبارت خواهد بود از کم مصرف کردن، صحیح مصرف نکردن... و مطالب بسیار دیگری که موجبات رخداد ریسک‌های متعددی را برای بانک اسلامی به وجود می‌آورد که نه تنها فعالیت اقتصادی موضوع تسهیلات به موقع انجام نمی‌شود بلکه مآلاً بازگشت منابع را نیز با مشکل مواجه می‌کند. در این مورد نیز چون بانک اسلامی در بسیاری از انواع تسهیلات اعطائی غیر مشابه، حضور دارد، لذا "ریسک‌های مباشرت" مربوط به مصرف بر بانک اسلامی تحمیل خواهد شد.

امر نظارت، دقت، آموزش از طریق و امثال آن، می‌تواند در پیشگیری ریسک‌های موجود در این مرحله کمک می‌کند، ولی در نهایت باز هم مقداری ریسک غیرقابل پیش بینی، و ریسک‌های عدم صداقت و نادرستی و یا در واقع ریسک‌های اخلاقی (Moral Suasion) نیز می‌تواند دامنگیر بانک اسلامی گردد، که برای پوشش و پیشگیری و مآلاً کاهش منطقی آنها باید چاره اندیشی شود.

نکته مهمی که در اینجا باید یادآوری شود این است که در برخی از تسهیلات پس از مرحله پرداخت اعتبار، بانک اسلامی مالکیت خود را به گیرنده تسهیلات منتقل می‌کند و یا باوجود استمرار مالکیت ریسک کمتری دارد. این موضوع نظیر تسهیلات در شکل فروش اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک است که خطرات بعدی منجمله ریسک مصرف را یا ندارد و یا کمتر دارد. در مورد اول انتقال مالکیت بانک و اخذ وثیقه موجب انتقال و کاهش ریسک بانک اسلامی می‌گردد و در مورد دوم، علیرغم استمرار مالکیت بانک اسلامی، ماهیت عمل به گونه‌ای است که

ریسک را در مقام مقایسه با تسهیلات دیگری که مالکیت بانک اسلامی در آنها استمرار دارد (نظیر مشارکت)، خود به خود کمتر می‌کند.

در جریان بهره برداری از سرمایه‌گذاری و وازیر تسهیلات نیز، بانک اسلامی به دلیل داشتن مالکیت و حضور در جریان امور، در مقام مالک منابع، درگیر ریسک‌ها و خطرات متعددی می‌شود که کم و بیش مشابه مواردی است که در مراحل قبلی تشریح شد و در نتیجه، بانک اسلامی باید آنها را تحمل کند. در بانکداری سنتی، چنین خطراتی را بانک مزبور تحمل نمی‌کند. بلکه با انتقال آن، گیرنده تسهیلات این قبیل ریسک‌ها را متحمل می‌شود. پس چه باید کرد تا بانک اسلامی نیز به رغم ماهیت ابزارهای اعتباری خود ریسک مناسب‌تری را تحمل کند؟

### توزیع ریسک بین بانک و گیرنده تسهیلات اعطائی

به طوری که ملاحظه می‌شود، در زمینه تسهیلات اعطائی توسط بانک اسلامی بحث و مطالب بسیاری وجود دارد که لزومی به بیان بیشتر آنها ندارد، لکن، نکاتی دیگر در زمینه مقایسه دو نظام بانکداری به نظر می‌رسد که ذیلاً به صورت مختصر به آنها اشاره می‌گردد در عین حال، مقایسه کلی و نتیجه‌گیری از این موضوع آخرین مطلبی است که در ادامه بحث مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۱- ریسک در فعالیت‌های اقتصادی که در اثر تسهیلات بانک‌ها به وجود می‌آید، به مقدار معینی وجود دارد. نحوه تأمین منابع در میزان آن تغییری نمی‌دهد. بلکه برعکس، نحوه تأمین منابع مورد نیاز فعالیت اقتصادی مزبور در توزیع ریسک حاصل از آن مؤثر است.

۲- در بانکداری سنتی تقریباً قسمت اعظم ریسک به گیرنده منتقل می‌شود.

۳- در حال حاضر، بانکداری اسلامی، در مقام مقایسه با بانکداری سنتی، سهم بیشتری از ریسک ناشی از فعالیت‌های اقتصادی را تحمل می‌کند.

همه موارد بالا بدین معنی نیست که چون ریسک در بانکداری سنتی منتقل می‌شود و یا بانکداری اسلامی سهم بیشتری از ریسک را متحمل می‌گردد، بانکداری سنتی لزوماً بر بانکداری اسلامی ترجیح دارد. دلایل عمده این عدم ترجیح از مواردی که متعاقباً تحلیل می‌شود نشأت می‌گیرد. کاهش سهم ریسک بانک در بانکداری سنتی، متناسباً موجب افزایش سهم ریسک واحد اقتصادی در این گونه بانکداری می‌شود. البته، این امر ممکن است مطلوب یا نامطلوب باشد. انتقال ریسک به واحد اقتصادی می‌تواند آن واحد را فعال کند و یا به تدریج آن را متوقف کند. به علاوه، کاهش سهم ریسک بانک، براساس موازین اقتصادی مستلزم کاهش سهم درآمد، منجمله برای بانک سنتی نیز می‌شود.

علاوه بر مراتب مذکور، می‌توان استدلال نمود که: اولاً، چون بانک اسلامی در بسیاری از مراحل اقدامات حضور دارد، قاعدتاً می‌تواند، اطمینان حاصل کند که دریافت، مصرف، بهره‌برداری و مآلاً بازپرداخت منابع بهتر صورت می‌گیرد. ثانیاً به دلیل، عدم حضور بانک سنتی، اطمینان از مصرف، بهره‌برداری و مآلاً بازپرداخت نمی‌تواند به طور کامل وجود داشته باشد. در نتیجه، انحراف از مصرف، کم مصرف کردن، بهره‌برداری نادرست می‌تواند مآلاً بازپرداخت تسهیلات دریافتی را با مشکل مواجه کند. در نتیجه، سیستم وثیقه‌گیری هرچند برای حذف ریسک خوب است ولی در نهایت از لحاظ هدفمند شدن مصرف و یا در واقع مصرف صحیح منابع پس انداز جامعه در این نظام، کارآئی لازم را ندارد. در نتیجه، در غیاب وثیقه یا عدم کفایت وثیقه و یا با خطر مواجه شدن وثیقه، ریسک‌های زیادی را برای این بانک در مقایسه با نظام بانکداری اسلامی به وجود می‌آورد. ثانیاً در بانک اسلامی نیز (۱) امکان عدم حضور و انتقال مسئولیت اجرا "ریسک مباشرت" برعهده‌گیرنده تسهیلات، هم از لحاظ شرعی و هم از لحاظ مقررات بانکی وجود دارد. به علاوه (۲) همانطور که قبلاً ذکر شد، امکان اخذ ضمانت حسن اجرا (شبه وثیقه) نیز در این قسم بانکداری عملی به نظر می‌رسد. این عمل مشابه تسهیلات اعطائی اجاره به شرط تملیک و یا کاربرد سهام ممتاز، در جهت تعدیل ریسک و سود سرمایه است، که می‌توان در اعطای تسهیلات مشارکتی نیز روشی مشابه یکی از موارد ذکر شده برای آن به کار گرفت. رابعاً (۱) با انتقال مسئولیت اجرایی (۲) طراحی اخذ ضمانت حسن اجرا در چارچوب موازین شرعی و بالآخره (۳) داشتن حق مالکیت در تسهیلات اعطائی، ریسک بانک اسلامی را به حد متناسب کاهش می‌دهد که حتی در مقام مقایسه با بانکداری سنتی از آن کمتر خواهد شد. البته باید اذعان داشت که در مقابل انتقال "ریسک مباشرت" و یا گرفتن اخذ ضمانت حسن اجرا (شبه وثیقه) و در نتیجه کاهش "ریسک مالکیت" بانک اسلامی، این بانک باید موجبات و انگیزه لازم را برای گیرنده تسهیلات به وجود آورد تاگیرنده مزبور تشویق به انجام این امور بشود.

تفاهم دو شریک برای دریافت سودی متفاوت از تناسب سرمایه آنها راهی اصولی برای انجام این کار است. طبعاً گیرنده تسهیلات، در مقابل دریافت سود بیشتر (یا در واقع حق بیمه قبول ریسک بیشتر) قطعاً به این مطلب رضایت خواهد داد. این اقدام نه تنها برخلاف موازین شرعی نیست، بلکه موجب انگیزه برای فعالان اقتصادی (Entrepreneur) جهت مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌شود. در عین حال، در صورت تحقق مطلب مزبور، گیرنده تسهیلات تشویق می‌شود تا نهایت سعی و اهتمام خود را هم برای بیشتر کردن منافع (Profit Maximization) خود و هم برای مدیریت و کاهش منطقی ریسک (Risk Minimization) به کار برد. به علاوه، حصول به این دو هدف مستلزم اهتمام و سعی و

کوشش بیشتر در جهت کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها می‌باشد. باتوجه به مراتب فوق، توزیع ریسک متناسب با توزیع درآمد<sup>۱</sup> یا سود مربوط به هر فعالیت اقتصادی که با منابع بانک اجرا شود، به نحو مناسب و مطلوب امکان‌پذیر است. بر مبنای آنچه توضیح داده شد، بعید به نظر می‌رسد که انعطاف‌پذیری بانکداری اسلامی، در چارچوب موازین شرعی، برای توزیع ریسک، حتی بیشتر از انعطاف‌پذیری بانکداری سنتی در همین زمینه نباشد.

مطلب بعدی، بحث توزیع ریسک ناشی از عملیات بانکی بین بانک و سپرده‌گذاران وکالتی است. در مبحث ذیل، شیوه توزیع ریسک در این مورد، در بانکداری اسلامی، مورد مذاقه قرار گرفته و حتی المقدور سعی خواهد شد تا مقایسه‌ای در این خصوص در مورد دو نظام بانکی صورت پذیرد.

### توزیع ریسک بین بانک و سپرده‌گذاران

همان‌طور که قبلاً در مباحث مختلف تشریح شد، بانکداری اسلامی به آن شیوه از بانکداری اطلاق می‌شود که منابع مالی سه‌گروه: (۱) بانک، (۲) سپرده‌گذار و (۳) سرمایه‌گذار در سرمایه‌گذاری‌ها به صورت مالکانه به کار گرفته شده و سود (یا زیان) و به علاوه ریسک آن به نحو مناسب و منطقی بین این سه گروه تسهیم گردد. بحث و تحلیل در زمینه توزیع ریسک بین بانک و سرمایه‌گذار در بخش قبلی صورت گرفت. در این بخش توزیع ریسک بین بانک و سپرده‌گذار، یعنی، دو گروه تأمین‌کننده منابع مالی فعالیت‌های اقتصادی (از طریق بانک اسلامی)، مورد مذاقه و امعان نظر قرار می‌گیرد.

نگاهی مجدد به ترازنامه بانک اسلامی، به شرح منعکس در صفحه ۱۰۱ این مقاله نشان می‌دهد که مجموعه تسهیلات اعتباری (دارایی‌های اعتباری) بانک اسلامی از دو محل، (۱) منابع بانک، شامل منابع سرمایه و منابع قرض الحسنه و (۲) منابع سپرده‌گذار که در واقع منابع "وکالتی" است، (بانک سپرده‌های مذکور در شکل "سرمایه ملکی" را به وکالت از طرف سپرده‌گذار به کار می‌برد) تأمین می‌شود.

ضرورتاً یادآوری می‌شود که منابع قرض الحسنه، شامل قرض الحسنه پس‌انداز، قرض الحسنه جاری و سایر حساب‌های بستانکار (یا به اصطلاح سایر سپرده‌های دیداری) منابع متعلق به بانک تلقی می‌گردد. زیرا، براساس موازین قرض الحسنه، پس از انعقاد عقد قرض،

۱- در این مقاله کلمات درآمد و بازده و سود بعضاً به جای یکدیگر به کار رفته است.

یعنی پس از تودیع سپرده‌های مزبور، مالکیت منابع از ید قرض دهند خارج و در ید قرض گیرنده، یعنی بانک، قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، منابع بانک و منابع سپرده‌گذاران وکالتی مجموعه منابعی هستند که در اعطای تسهیلات اعتباری به صورت "سرمایه ملکی" بانک و سپرده‌گذار، در شکل مشاع به کار می‌روند. در نتیجه، سود (بازیان) و همچنین ریسک حاصل از اینگونه تسهیلات به طور مشاع متعلق به هر دو گروه است. در واقع، هر اندازه تسهیلات اعتباری اعطا شود، منابع بانک و منابع سپرده‌گذار، به تناسب خود، در مجموع میزان تسهیلات و همچنین در سود و ریسک حاصل از این تسهیلات شریک خواهند شد.

باتوجه به مراتب بالا، دو اصل اساسی در این زمینه قابل ذکر به نظر می‌رسد. اصل اول، مشاع بودن منابع در فعالیت‌های اقتصادی. اصل دوم، مشارکت این منابع در فعالیت‌های مزبور به صورت "سرمایه ملکی". نظر به اینکه، هر دو نوع منابع، به صورت "سرمایه"<sup>۱</sup> در فعالیت اقتصادی به کار می‌روند، لذا، نقش هر دو در اکتساب سود و ریسک نقش "سرمایه" می‌باشد. به عبارت دیگر، سپرده‌های وکالتی، همپراز با منابع بانک (سپرده‌های قرض الحسنه و سرمایه) به صورت "سرمایه" از یک طرف در سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی سهیم می‌گردد و از طرف دیگر، قاعدتاً باید در ریسک حاصله نیز شریک شوند. در این شیوه رفتاری سه ویژگی برای سپرده‌های وکالتی تشخیص داده می‌شود. ویژگی اول، مشارکت آنها به صورت منابع "سرمایه" وکالتی در فعالیت‌های اقتصادی که با اتکاء به منابع بانکی اجرا می‌شود. ویژگی دوم سهیم شدن آنها در سود (بازیان) این فعالیت‌ها می‌باشد. ویژگی سوم که مهم‌ترین ویژگی است، و در واقع به دلیل ویژگی دوم به وجود می‌آید، تحمل ریسک‌های بانک به تناسب مشارکت این سپرده‌ها در فعالیت‌های ناشی از تسهیلات اعطائی است. سؤال مشخص در اینجا این است که آیا این "سرمایه‌ها" (سپرده‌ها) که به صورت موقت در سود و ریسک سهیم می‌شود، حق تصمیم‌گیری در مدیریت و یا حق دریافت ارزش اضافه شده روی سرمایه بانک را که به دلیل وجود این سپرده‌ها در فعالیت‌های بانکی حاصل می‌شود دارد یا خیر؟ در هر حال به نظر می‌رسد که شیوه‌های علمی برای این کار باتوجه به انعطاف‌پذیری موازین شرعی در زمینه‌های مشارکت وجود داشته باشد. این مطلب، بحثی است که مستلزم بررسی و مطالعات بیشتر و خود می‌تواند موضوع یک مقاله جداگانه باشد. در هر صورت، ویژگی‌های سه‌گانه شمرده شده ما را در جهت تشریح و تحلیل توزیع ریسک کمک می‌کند.

ویژگی‌های مذکور در فوق استحکام خاصی را برای بانک اسلامی به وجود می‌آورد که از لحاظ

۱- از دیدگاه اسلامی، منابع مالی، بلافاصله پس از به کارگیری در فعالیت اقتصادی "سرمایه" تلفی می‌شود. با سهولت می‌توان استدلال کرد که از لحاظ علمی نیز این مطلب مصداق دارد.



مقایسه کاملاً با بانک سنتی تفاوت دارد. استحکام مذکور بر مبنای وابسته بودن درآمد سپرده‌ها به سود تسهیلات از یک طرف و تحمل بخشی از ریسک بانک توسط سپرده‌ها از طرف دیگر حاصل می‌گردد. در واقع، بانک اسلامی هر میزان سودی را که از محل فعالیت‌های اعتباری خود تحصیل می‌کند، چه کم و چه زیاد، عیناً (پس از کسر حق الوکاله) به تناسب سهم سپرده‌گذاران به آنان پرداخت می‌کند. بدین ترتیب رابطه بین سود دریافتی از تسهیلات و سود پرداختی به سپرده‌ها رابطه‌ای کاملاً وابسته به یکدیگر است که کم و زیاد شدن سود حاصل از تسهیلات مذکور سهم سود سپرده‌گذاران را نیز کم و زیاد می‌کند و موجودیت بانک را کمتر با خطر مواجه می‌سازد. این وابستگی یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های بانکداری اسلامی است که آن را از بانکداری سنتی متمایز می‌کند. درحالی‌که در بانکداری سنتی، رابطه وابستگی بین بهره اعتبارات اعطائی و بهره سپرده‌ها وجود ندارد. زیرا، از یک طرف بانک سنتی متعهد به پرداخت بهره سپرده‌ها می‌باشد، صرف‌نظر از اینکه درآمدی از محل اعتبارات خود داشته یا نداشته باشد. پس ریسک پرداخت سود سپرده‌ها تماماً توسط بانک تحمل می‌شود. از طرف دیگر، ریسک تسهیلات اعطائی تماماً متوجه بانک است، بدون اینکه سپرده‌گذار سهمی از آن را تحمل کند. در واقع از دو طرف، یعنی هم از طرف اعتبارات اعطائی و هم از طرف سپرده‌ها ریسک به طور مستقل برعهده بانک است. در نتیجه، به نظر می‌رسد که این بانک در مقابل توقف و ورشکستگی وضعی به مراتب حساس‌تر از بانک اسلامی داشته و با احتمال زیاد بانک اسلامی از این جهت بر بانک سنتی رجحان دارد. (دست کم از دیدگاه نظری) بر پایه مطالب فوق، توزیع ریسک نیز در بانک اسلامی نسبت به بانک سنتی برتری دارد. قبل از اینکه وارد بحث در زمینه توزیع ریسک در مورد سپرده‌ها بشویم، باید توجه کنیم که منظور از ریسک در این مورد، ریسک غیرقابل پیشگیری است. در واقع ریسک باقیمانده‌ای که علی‌رغم همه پیشگیری‌ها و کنترل‌هایی که در طرف دارائی‌ها به عمل می‌آید، قابل پیشگیری نبوده و نهایتاً باید توسط بانک تحمل شود.<sup>۱</sup> طبعاً تحمل اینگونه ریسک توسط بانک در دو نظام تفاوت می‌کند. زیرا، در بانک اسلامی مجموع ریسک بین منابع بانک، اعم از سرمایه و سپرده‌های قرض الحسنه از یک طرف و سپرده‌های وکالتی از طرف دیگر تسهیم می‌شود. در نتیجه، مجموعه ریسک به دلیل وجود سپرده‌های "وکالتی" به نحو مطلوبی توزیع شده و بار بانک اسلامی را از جهت تحمل ریسک کم می‌کند. این مطلب در حالت عادی است. لکن، برای تحلیل بیشتر باید ماهیت وضعیت انواع سپرده‌ها، اعم از "قرض الحسنه" یا "وکالتی"، در بانکداری اسلامی تشریح شود تا وضعیت و ریسک‌پذیری بانک

۱- به نظر می‌رسد که موضوع کفایت سرمایه (Capital Adequacy) در نظام بانکداری سنتی و همچنین در نظام بانکداری اسلامی برای پوشش همین ریسک در نظر گرفته شده است.

در مقام مقایسه با بانکداری سنتی بیشتر روشن گردد...

از دیدگاه اسلامی، ماهیت "قرض" به گونه‌ای است که قرض گیرنده "ضامن" استرداد اصل آن می‌شود. این تضمین، از همین دیدگاه، مشمول مرور زمان نشده و فراتر از آن، حتی دارائی‌های شخص قرض گیرندگان (در مورد بانک اسلامی صاحبان سهام) نیز در گرو استرداد اصل این گونه قرض (سپرده‌های قرض الحسنه) می‌باشد. این ویژگی بانک اسلامی را در وضع بسیار خطرناکی قرار می‌دهد که سهامداران باید به آن توجه داشته باشند. در مقابل، همانطور که ذکر شد، سپرده‌های وکالتی از یک طرف، هم‌تراز منابع بانک در ریسک بانک سهیم می‌شوند. این مطلب، وضعیت خطرناک قبلی را تعدیل می‌کند. از طرف دیگر، برای تعدیل ریسک سپرده‌های وکالتی نیز شیوه‌های متعددی وجود دارد. یک راه آن است که استرداد اینگونه سپرده‌ها بیمه شود. راه دیگر آن است که بانک، در مقابل دریافت بخشی از سود آنها (غیر از کارمزد حق الوکاله) استرداد اصل آنها را تعهد کند. این پیشنهاد بر مبنای "بازدهی سپرده‌ها در تناسب با ریسک است. بازدهی کمتر توام با ریسک کمتر و بازدهی بیشتر توام با ریسک بیشتر تا حدی که نهایتاً بازپرداخت اصل سپرده‌ها تعهد شود. البته، روش‌های دیگری نیز برای تقلیل ریسک سپرده‌های "وکالتی" وجود دارد که در هر صورت، برای آن می‌توان شیوه‌های خاصی طراحی نمود. این بحث نیز از محدوده موضوع این مقاله خارج است.

### تقسیم بندی جدید از ریسک‌های بانکی

مجموعه انواع ریسک‌های بانکی که نشأت گرفته از طبیعت بانکداری است معمولاً میزان معینی است که با اصول علمی قابل اندازه‌گیری می‌باشد. تقسیم بندی‌های متفاوت از انواع ریسک‌های بانکی از جهت شناسایی بیشتر و حصول به هدفی است که نویسندگان از این تقسیم بندی‌ها دارند، مربوط می‌شود. یک تقسیم بندی اساسی به ریسک‌های قابل پیش‌گیری و ریسک‌های غیر قابل پیش‌گیری بر می‌گردد. گروه اخیر در واقع ریسک‌های باقیمانده مجموعه ریسک‌هایی می‌باشند که بانک علی‌رغم کوشش و تلاش خود برای پیش‌گیری از آنها، نمی‌تواند آنها را پیش‌گیری کند. در نتیجه، تمهیدات دیگری برای پوشش آنها به کار گرفته می‌شود. این تمهیدات، همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، شامل کفایت سرمایه، بیمه سپرده‌ها، کمک‌های دولت، کمک‌های بانک مرکزی... و نظائر آن می‌گردد. بنابراین چنانچه قرار باشد که بحث در زمینه این بخش از ریسک صورت بگیرد عمدتاً تأکید حول محور عوامل ذکر شده متمرکز می‌گردد. لکن، چنانچه هدف نویسنده، ارائه نظریه‌هایی در زمینه مدیریت ریسک‌های قابل پیش‌گیری بشود، بحث نویسنده، عمدتاً حول محور انواع ریسک‌های از این دست متمرکز می‌شود و در نتیجه

حسب هدف خود آنها را طبقه بندی می‌کند. در بخش‌های پیشین این مقاله، انواع مختلف گروه بندی بهای انواع ریسک‌های بانکی نام برده شد. در هر صورت، گروه بندی انواع ریسک‌های بانکی، صرفاً از لحاظ تسهیل امر بررسی منطقی دارد و مطلقاً مجموعه انواع ریسک‌های مزبور را تغییر نمی‌دهد. از همین رو، این نویسنده نیز به دلیل انتخاب موضوع "تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی" تقسیم بندی ویژه‌ای از مجموعه انواع ریسک‌های بانکی راگزینش کرده است تا بتواند به هدف خود برسد. در همین راستا گروه بندی ذیل برای ادامه بحث و تحلیل انتخاب شده است:

۱- ریسک‌های درون سازمانی

۲- ریسک‌های برون سازمانی

۳- ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های اعتباری:

۱- ۳- ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های اعتباری بانک‌های اسلامی که مشابه فعالیت‌های اعتباری بانک‌های سنتی است.

۲- ۳- ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های اعتباری بانکداری اسلامی که با فعالیت‌های اعتباری بانک‌های سنتی غیرمشابه می‌باشد

گروه بندی بالا، بحث در زمینه موضوع مقاله را کاملاً تسهیل می‌کند. زیرا ریسک‌های گروه (۱) به دلیل اینکه عمده‌تاً عملیاتی است هم در بانک اسلامی و هم در بانک سنتی مشابه است. بعلاوه، ریسک‌های گروه (۲) نیز به دلیل اینکه نشأت گرفته از خردادهایی است که عمده‌تاً از حیطة کنترل بانک خارج می‌باشد و هر دو محیط بانک اسلامی و بانک سنتی را به صورتی تقریباً مشابه به یک اندازه متأثر می‌کند. گروه بندی (۳) نیز به نوبه خود به دو گروه فرعی قابل تقسیم و دو نوع ریسک در آن قابل شناسایی است. در مورد گروه فرعی اول (۱- ۳) نیز به دلیل مشابهت عملیات اعتباری در هر دو محیط بانک اسلامی و سنتی نظریه‌های زیادی ارائه گردیده که تکرار آنها در اینجا زائد به نظر می‌رسد. بدین ترتیب و در نهایت، بحث مقاله محدود به ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های غیرمشابه در دو نظام بانکداری می‌گردد. این مطلب با موضوع مقاله سازگاری دارد و هسته اصلی بحث نهایی را تشکیل می‌دهد.

در بخش‌های پیشین این مقاله انواع ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های اقتصادی بانک اسلامی که در گروه فرعی (۲- ۳) قرار می‌گیرند، به ویژه در بخش "ریسک‌های ناشی از عملیات غیرمشابه در دو نظام بانکی" به طور مشروح مورد بحث و امعان نظر قرار گرفت. بحث و تحلیل‌های مزبور، مآلاً به این نتیجه رسید که هر فعالیت اقتصادی صرفنظر از اینکه با منابع بانکی تامین مالی شده یا نشده باشد. اصولاً مقدار معینی ریسک در بر دارد. به علاوه، این میزان

ریسک، مستقل و مجزا از شیوه تأمین مالی (Financing) آن می‌باشد. به عبارت دیگر، هر فعالیت اقتصادی بنابه طبیعت خود واجد مقدار معینی ریسک می‌باشد که وابسته به نوع منابع تأمین مالی آن نیست. به عنوان مثال هر طرح اقتصادی می‌تواند، از منابع خود واحد اقتصادی، از منابع بانک اسلامی، از منابع بانک سنتی و یا ترکیبی از این منابع اجرا شود. در هر صورت، طبیعت طرح است که ریسک را به وجود می‌آورد و اصولاً ربطی به نحوه تأمین منابع آن ندارد. درحالی که برعکس، توزیع این مقدار "معین" ریسک میان تأمین کنندگان منابع مالی بحثی قابل تعمق می‌باشد.

مجدداً یادآوری می‌شود که در زمینه فعالیت‌های غیرمشابه، بانک اسلامی درگیر در مشارکت و مالکیت منابع از یک طرف و به علاوه درگیر مباشرت در برخی از زمینه‌ها از طرف دیگر می‌گردد. در نتیجه، سهم بانک اسلامی از مجموعه ریسک فعالیت اقتصادی فراتر از تنها ریسک اعتباری برای این بانک می‌باشد.

بدین ترتیب، چون بانک اسلامی ریسک مجموعه فعالیت اقتصادی در سه زمینه (اعتباری، مالکیتی و مباشرتی) را متحمل می‌شود، لذا، قاعداً باید به تناسب میزان تحمل ریسک‌های مذکور، سود متناسب و لازم را نیز تحصیل نماید. تنها در این صورت است که بر مبنای اصول اساسی علمی پذیرفته شده، یعنی بر مبنای اصل "ریسک بیشتر توام با سود بیشتر" و برعکس بر مبنای اصل "ریسک کمتر توام با سود کمتر" بانک اسلامی می‌تواند سودی متناسب با میزان ریسکی که تحمل می‌کند، برای خود داشته باشد. بدین ترتیب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در صورت تحقق این اصول، میزان سودآوری بانک اسلامی نیز مطلقاً در تناسب با میزان ریسک پذیرفته شده مشابه ریسک و سود متناسب توسط بانک سنتی خواهد شد. در عین حال، می‌توان چنین استدلال کرد که در صورتی که بانک اسلامی بخواهد دو نوع ریسک مالکیتی و مباشرتی را تحمل نماید، می‌تواند، با انتقال آنها به واحد اقتصادی (گیرنده تسهیلات) بخشی از سود خود را در تناسب با میزان ریسک منتقل شده به واحد مزبور منتقل نماید. در این صورت تنها ریسک اعتباری باقی می‌ماند که در عمل توسط بانک اسلامی تحمل خواهد شد. البته، برای پوشش این ریسک باقیمانده نیز می‌توان از تمهیداتی نظیر وثیقه و بیمه و... نیز در نظام بانکداری اسلامی استفاده کرد. قبلاً در این خصوص تحلیل‌های لازم صورت گرفته است که از تکرار آنها خودداری می‌شود. لکن، برای رفع مشکلات و نارسائی عمده‌ای که در بانکداری اسلامی برای تحمل ریسک مالکیتی و مباشرتی وجود دارد، مدلی طراحی شده است که براساس آن می‌توان میزان ریسک و متناسباً میزان سود بانک اسلامی و واحد اقتصادی را تعدیل نمود. این مدل در واقع ابرازی است که می‌تواند در مدیریت ریسک به کار گرفته شود. در بخش بعدی، مدل طراحی شده و نحوه به کارگیری آن مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد.

## مدل توزیع ریسک

با توجه به آنچه در مطالب پیشین تشریح گردید. فرض می‌شود که یک موضوع یا یک طرح با وضعیت مالی پیش بینی شده به شرح زیر می‌تواند هم توسط بانک اسلامی و هم توسط بانک سنتی تأمین مالی (Finance) شود:

ردیف	پارامتر مدل	اندازه پارامتر	شرح
(۱)	CA	۱۰,۰۰۰	کل منابع سرمایه
(۲)	SB	۷,۰۰۰	سهم منابع بانک
(۳)	SE	۳,۰۰۰	سهم منابع واحد اقتصادی
(۴)	$\pi T$	۳,۶۰۰	میزان کل سود حاصله
(۵)	$\pi B$	-	میزان سهم سود بانک
(۶)	$\pi E$	-	میزان سهم سود واحد اقتصادی
(۷)	$\pi F$	-	میزان سود بدون ریسک
(۸)	$\pi P$	-	میزان سود اضافی برای ریسک (صرف ریسک)
(۹)	RF	-	نرخ سود بدون ریسک
(۱۰)	RT	-	نرخ سود کل سرمایه‌گذاری
(۱۱)	RP	-	نرخ سود اضافی برای ریسک (یا قیمت ریسک)
(۱۲)	RB	-	نرخ سود مورد نظر بانک
(۱۳)	RE	-	نرخ سود مورد نظر واحد اقتصادی
(۱۴)	$\sigma$	۱۰,۰۰۰ واحد	میزان کل ریسک
(۱۵)	$\beta$	-	سهم ریسک بانک
(۱۶)	$1-\beta$	-	سهم ریسک واحد اقتصادی
(۱۷)	$\sigma B$	-	میزان ریسک بانک
(۱۸)	$\sigma E$	-	میزان ریسک واحد اقتصادی
(۱۹)	RI	-	میزان نرخ تورم پیش بینی شده
(۲۰)	X	-	نرخ ریسک بانک
(۲۱)	Y	-	نرخ ریسک واحد اقتصادی
(۲۲)	T	-	مدت سرمایه‌گذاری (یک سال)

هر سرمایه‌گذاری بر اساس موازین علمی، اصولاً باید سودی معادل سود سرمایه‌گذاری بدون ریسک، به اضافه سودی برای صرف ریسک یا پاداش ریسک خود داشته و مضافاً نرخ تورم را نیز

پوشش دهد... قسمت دوم سود، یعنی پاداش به میزان ریسک پذیرفته شده، اهمیت زیادی در تشکیل سرمایه گذاری دارد. زیرا، اگر برای پذیرش ریسک پاداش مناسبی وجود نداشته باشد اصولاً سرمایه گذاری انجام نخواهد شد و سرمایه گذاری به جای اینکه جذب سرمایه گذاری دارای ریسک بشود، جذب سرمایه گذاری های بدون ریسک (نظیر اوراق مشارکت بانک مرکزی، دولت و...) خواهد شد. از اینرو، مؤکداً تکرار می شود که سود هر سرمایه گذاری دارای ریسک، باید متناسب با ریسکی که سرمایه گذاری دارد، پاداش یا صرف ریسک متناسب داشته باشد تا سرمایه گذاری مزبور بتواند انجام شود. بر مبنای مثال ذکر شده قبلی، وضعیت سودآوری سرمایه گذاری موصوف به شرح زیر قابل اندازه گیری است:

$$(۲۳) \pi T = \pi F + \pi R$$

$$(۲۴) \frac{\pi T}{CA} = \frac{\pi F}{CA} + \frac{\pi P}{\sigma}$$

$$(۲۵) RT = RF + RP^{(۱)}$$

رابطه (۲۵) موید این است که نرخ کل سود هر سرمایه گذاری دارای ریسک برابر نرخ سود بدون ریسک بعلاوه، نرخ سود صرف ریسک، یا در واقع قیمت ریسک می باشد. رابطه (۲۳) همین وضعیت را به طور مطلق نشان می دهد. بر پایه معادلات بالا، میزان کل پاداش ریسک در هر سرمایه گذاری از رابطه (۲۳) و قیمت ریسک از رابطه (۲۵) به شرح زیر به دست می آید:

$$(۲۶) RP = RT - RF$$

به طوری که ملاحظه می شود، قیمت ریسک یا نرخ سود برای پذیرش ریسک نشان می دهد که هر گروه سرمایه گذار می تواند به اندازه میزان ریسکی که می پذیرد به همان نسبت از پاداش آن براساس این رابطه استفاده کند، زیرا نرخ مزبور نرخ پاداش صد درصد ریسک است، و تسهیم یا توزیع آن بین گروه ها به تناسب ریسکی که می پذیرند امکان پذیر خواهد بود. در ادامه بحث، باید توجه داشت که سهم هر یک از گروه ها از میزان ریسکی که پذیرفته اند نیز، عنداللزوم می تواند از رابطه های زیر بدست آید:

$$(۲۷) \sigma B = \sigma \times \beta$$

$$(۲۸) \sigma E = \sigma(1 - \beta)$$

۱- در این مدل سازی فرض می شود که نرخ تورم بخشی از نرخ سود سرمایه گذاری بدون ریسک را تشکیل می دهد. مع الوصف، امکان اصلاح مدل برای نرخ تورم نیز وجود دارد که در حال حاضر برای ساده کردن موضوع از آن صرف نظر می شود.

در رابطه‌های بالا، همواره  $0 \leq \beta \leq 1$  و براین اساس  $\{1 = \beta + (1 - \beta)\}$  در نظر گرفته می‌شود. با توجه به مراتب ذکر شده، نرخ سود سرمایه‌گذاری برای مجموع سرمایه‌گذاری و همچنین نرخ سود سرمایه‌گذاری برای گروه‌های تامین‌کننده منابع سرمایه‌گذاری بر پایه میزان سرمایه‌گذاری هریک نسبت به مجموع سرمایه‌گذاری و همچنین میزان ریسکی که پذیرفته‌اند نیز می‌تواند به ترتیب زیر محاسبه شود:

$$(۲۹) RT = RF + RP \left[ \frac{\sigma}{CA} \right]$$

$$(۳۰) RB = RF + RP \left[ \frac{\sigma \times \beta}{SB} \right]$$

$$(۳۱) RE = RF + RP \left[ \frac{\sigma \times (1 - \beta)}{SE} \right]$$

سه رابطه بالا، مدل‌های لازم برای محاسبه نرخ سود برای منابع هریک از گروه‌ها را به دست می‌دهند. اولین رابطه، یعنی رابطه (۲۹) نرخ کل بازده را تعیین می‌کند و مشخص می‌دارد که اگر همه گروه‌ها در یک اندازه در ریسک و صد درصد ریسک سهیم شوند، همه آنها، نرخ سودی معادل یکدیگر خواهند داشت که برابر RT می‌باشد. زیرا، CA و  $\sigma$  از لحاظ قدر مطلق مساوی ( $CA = \sigma$ ) می‌باشند. درحالی‌که دو رابطه (۳۰) و (۳۱) نرخ‌های سود متفاوتی را که ملازمه و متناسب با ریسک پذیرفته شده توسط هر گروه دارد، بدست می‌دهند.

مدل‌های فوق، با تئوری‌های سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه یکسان است. زیرا براساس تئوری‌های مذکور، همانطور که ذکر شد، نرخ بازده هر سرمایه‌گذاری برابر است با نرخ سود سرمایه‌گذاری بدون ریسک، بعلاوه، نرخ پاداش ریسک (یا نرخ صرف ریسک) ضربدر میزان ریسک پذیرفته شده.<sup>۱</sup> در بانکداری اسلامی نیز می‌توان همین اصل پذیرفته شده را به کار گرفت و ریسک سرمایه‌گذاری‌ها را متناسب با مسئولیت‌ها یا تفاهمات بین بانک و واحد اقتصادی توزیع کرده و پاداش ریسک سرمایه‌گذاری هر گروه را بر مبنای ریسکی که گروه‌ها می‌پذیرند به

۱- همانطور که ذکر شد، در مدل طراحی شده، فرض شده است که نرخ تورم صفر است. در غیر این صورت مدل با اعمال نرخ تورم به ترتیب زیر تغییر خواهد کرد:

$$(۲۹ - ۱) RT = (RF + RI) + RP \left( \frac{\sigma}{CA} \right)$$

$$(۳۰ - ۱) RB = (RF + RI) + RP \left( \frac{\sigma \times \beta}{SB} \right)$$

$$(۳۱ - ۱) RE = (RF + RI) + RP \left[ \frac{(\sigma)(1 - \beta)}{SE} \right]$$

آنها داد.

به طور خلاصه، چنانچه بانک اسلامی بخواهد، بخشی از ریسک سرمایه‌گذاری یعنی ریسک (مالکیت) و تمام ریسک اجرا (یعنی مباشرت) را به واحد اقتصادی منتقل نماید باید پاداشی درخور مجموع ریسک واگذار شده به واحد اقتصادی برای واحد مزبور در نظر بگیرد. به طوری که از رابطه (۳۰) ملاحظه می‌شود، نرخ سود سرمایه‌گذاری برای بانک در این مورد، برابر خواهد بود با نرخ سود سرمایه‌گذاری بدون ریسک، به اضافه نرخ سودی که در ازاء میزان ریسک پذیرفته شده در تناسب با سرمایه بانک، برای بانک حاصل می‌شود. در عین حال، براساس قسمت دوم از رابطه (۳۰) می‌توان چنین نتیجه گرفت که چنانچه  $\sigma$  از لحاظ قدر مطلق: (۱) مساوی با، (۲) کمتر از یا بالاخره (۳) بیشتر از میزان سرمایه‌گذاری بانک باشد، در این صورت نرخ ریسک پذیرفته شده در سرمایه‌گذاری توسط بانک (۱) برابر (۲) کمتر از، یا بالاخره (۳) بیشتر از نرخ ریسک کل سرمایه‌گذاری یعنی RP خواهد بود. در عین حال، ممکن است مطالب گفته شده در فوق برای بانک و واحد اقتصادی نیز بر مبنای رابطه‌های ریاضی زیر نیز بیان شود: در اینصورت وضعیت ریسک‌پذیری بانک، از لحاظ قدر مطلق در مقایسه با قدر مطلق سرمایه‌گذاری بر مبنای رابطه ریاضی به شرح ذیل خواهد شد:

$$(32) \sigma\beta = SB$$

$$(33) \sigma\beta < SB$$

$$(34) \sigma\beta > RP$$

باتوجه به رابطه‌های فوق، با بیان دیگر نیز نرخ ریسک بانک، برای سرمایه‌گذاری انجام شده توسط بانک تحت هر یک از شرایط ذکر شده از رابطه‌های ذکر شده براساس رابطه‌های ذیل مساوی، کوچکتر یا بزرگتر از نرخ ریسک مجموعه سرمایه‌گذاری (RP) خواهد شد:

$$(35) RB = RP$$

$$(36) RB < RP$$

$$(37) RB > RP$$

در مورد میزان قدر مطلق ریسک پذیرفته شده توسط واحد اقتصادی در مقایسه با قدر مطلق سرمایه‌گذاری واحد اقتصادی نیز می‌توان به همان ترتیبی که تحت شرایط مختلف در مورد بانک نتیجه‌گیری شد، در مورد واحد مزبور نیز به شرح زیر نتیجه‌گیری نمود:

$$(38) \sigma(1 - \beta) = SE$$

$$(39) \sigma(1 - \beta) < SE$$

$$(40) \sigma(1 - \beta) > SE$$



باتوجه به معادلات بالا، نرخ ریسک واحد اقتصادی، برای سرمایه گذاری انجام شده توسط واحد مزبور تحت هر یک از شرایط سه گانه، بر مبنای رابطه های ذیل، مساوی، کوچکتر و یا بزرگتر از نرخ ریسک مجموعه سرمایه گذاری: (RP) خواهد شد:

$$(41) RE = RP$$

$$(42) RE < RP$$

$$(43) RE > RP$$

در نتیجه: با استفاده از رابطه های ریاضی به دست آمده در بالا، نرخ سود سرمایه گذاری و نرخ ریسک پذیرفته شده توسط هر یک از گروه های تامین کننده منابع سرمایه گذاری بر پایه گزینش های متفاوت می تواند به دست آید.

برای این نتیجه گیری، "فرض می کنیم" که مجموعه "ریسک" های سرمایه گذاری، یعنی صد درصد در گروه بندی کلی زیر، قابل تسهیم باشد:

ارقام: درصد	نوع ریسک	شرح
۳۰	$\sigma F$	۱- سهم ریسک های ناشی از "تأمین مالی" منابع سرمایه گذاری <sup>۱</sup>
۲۰	$\sigma W$	۲- سهم ریسک های ناشی از امر "مباشرت" در امر سرمایه گذاری
۵۰	$\sigma O$	۳- سهم ریسک های ناشی از امر "مالکیت" برای کل سرمایه گذاری
۱۰۰	$\sigma t$	مجموع ریسک های سرمایه گذاری

بر مبنای آنچه تاکنون ذکر شد، هر تفاهمی در مورد توزیع ریسک های مذکور بین بانک و واحد اقتصادی می تواند صورت گیرد. چنانچه فرض کنیم، واحد اقتصادی و بانک با یکدیگر تفاهم کنند که تمام یا قسمتی از ریسک های ردیف های (۲) و (۳)، یعنی ریسک های ناشی از امور "مباشرت" و "مالکیت" را واحد اقتصادی بپذیرد، لذا، قاعداً باید پاداشی معادل میزان ریسک پذیرفته شده دریافت دارد. در عین حال، ریسک های ناشی از تامین مالی نیز، علی الاصول باید به تناسب میزان منابع سرمایه گذاری هر گروه بین آنها تسهیم گردد. باتوجه به این مراتب، سهم بانک و واحد اقتصادی از ریسک های ناشی از «تأمین مالی» منابع سرمایه گذاری بر مبنای فروض بالا به شرح زیر بدست می آید:

۱- در نظام بانکداری سنتی، میزان این ریسک قاعداً باید، برابر میزان ریسک تامین مالی واحدهای اقتصادی، توسط بانک های مزبور باشد. زیرا این بانک ها معمولاً ریسک های ناشی از امور "مباشرت" و "مالکیت" را نمی پذیرند.

$$(۴۴) \sigma_B = \sigma_F \times SB$$

$$(۴۵) \frac{\sigma_B}{CA} = \sigma_F \times \frac{SB}{CA}$$

$$(۴۶) \sigma_E = \sigma_F \times SE$$

$$(۴۷) \frac{\sigma_E}{CA} = \sigma_F \times \frac{SE}{CA}$$

باتوجه به این مراتب، مجموع سهم ریسک واحد اقتصادی، اعم از ریسک‌های "مباشرت" و "مالکیت" شامل سهم خود و همچنین کل سهم بانک و همچنین سهم واحد اقتصادی از ریسک "تأمین مالی" به شرح زیر قابل محاسبه است:

$$(۴۸) \sigma_E = (\sigma_F \times SE) + (\sigma_W + \sigma_O)(SE + SB)$$

$$(۴۹) \sigma_E = SE(\sigma_F + \sigma_W + \sigma_O) + SB(\sigma_W + \sigma_O)$$

$$(۴۹-۱) \sigma_E = SE(\sigma_F) + SB(\sigma_W + \sigma_O)$$

در رابطه ریاضی (۴۹)، قسمت اول سهم ریسک خود واحد اقتصادی از "مجموعه ریسک" سرمایه‌گذاری و قسمت دوم، سهم ریسک بانک در مورد "مباشرت" و "مالکیت" است که توسط واحد اقتصادی تقبل شده است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، مجموع میزان ریسک پذیرفته توسط واحد اقتصادی، به حدود ۷۹۰۰ واحد (۶۰۰ + ۷۰۰۰) می‌رسد به طور نسبی این میزان ریسک نیز در مقام مقایسه بانک ریسک سرمایه‌گذاری معادل ۷۹ درصد می‌گردد. این نسبت از رابطه ریاضی (۵۰) به شرح زیر قابل برآورد می‌باشد:

$$(۵۰) \frac{\sigma_E}{CA} = \frac{SE}{CA}(\sigma_F + \sigma_W + \sigma_O) \times \frac{SB}{CA}(\sigma_W + \sigma_O)$$

باتوجه به مجموع مطالب گفته شده و همچنین شرایط و فروض در نظر گرفته شده، به علاوه، بر مبنای تفاهم در مورد پذیرش توزیع ریسک بین بانک و واحد اقتصادی به ترتیبی که بیان گردید، نتیجه سود حاصل از سرمایه‌گذاری موضوع مثال، برای مجموع سرمایه‌گذاری و

۱- در این مدل فرض می‌شود که کل سهم بانک از ریسک‌های "مباشرت" و "مالکیت" توسط واحد اقتصادی، در مقابل سود اضافی، متقبل شده باشد. در عین حال، هر اندازه این ریسک توسط واحد اقتصادی پذیرفته شود، می‌توان تعدیل لازم بر همان مبنا در مدل به عمل آورد تا همان اندازه از ریسک‌های پذیرفته شده را نشان دهد.

همچنین بین دو شریک به شرح ذیل قابل تقسیم می‌باشد:

$$(۵۱) RT = RF + RP(\sigma) \div CA = ۳۶\%$$

$$(۵۲) RB = RF + RP(\sigma_B) \div SB = ۱۹/۲\%$$

$$(۵۳) RE = RF + RP(\sigma_E) \div SE = ۷۵/۲\%$$

به طوری که ملاحظه می‌شود، در سرمایه‌گذاری موضوع مثال، کل درآمد ۳۶ درصد نسبت به کل منابع می‌باشد. سهم سود بانک با توجه به ریسک پذیرفته شده توسط بانک و همچنین سهم سود واحد اقتصادی با توجه به ریسک پذیرفته شده توسط واحد مزبور، به تناسب سرمایه‌های هر یک به ترتیب برابر با ۱۹/۲ درصد و ۷۵/۲ درصد می‌رسد. این مطلب نشان می‌دهد که مدل، صحیح طراحی شده است. زیرا، این نتیجه‌گیری می‌تواند از رابطه ریاضی ذیل نیز سنجیده شود:

$$RT = RB \left( \frac{SB}{CA} \right) + RE \left( \frac{SE}{CA} \right)$$

$$(۵۴) = ۱۹/۲ \left( \frac{۷۰۰۰}{۱۰۰۰۰} \right) + ۷۵/۲ \left( \frac{۳۰۰۰}{۱۰۰۰۰} \right)$$

$$= ۱۳/۴۴ + ۲۲/۵۶$$

$$= ۳۶\%$$

رابطه فوق، ضمن اثبات مدل طراحی شده، نشان می‌دهد، که از مجموعه درآمد، یعنی ۳۶ درصد، ۱۳/۴۴ درصد به بانک و ۲۲/۵۶ درصد به واحد اقتصادی تعلق می‌گیرد. بدیهی است، پس از تعدیل ارقام مزبور به تناسب منابع سرمایه‌گذاری شده توسط هر یک به ترتیب ارقام ۱۹/۲ درصد و ۷۵/۲ درصد حاصل خواهد شد.

نکته مهم دیگر که امری بدیهی نیز به نظر می‌رسد، و قبلاً نیز به آن اشاره شد، این است که هر تفاهم دیگری (غیر از فروض در نظر گرفته شده به شرح مطالب بالا) نیز در مورد توزیع ریسک بین بانک و واحد اقتصادی، عملی بوده و می‌تواند به ترتیب دیگری مشکل این دو را در زمینه توزیع ریسک حل کند.

در عین حال یک نتیجه‌گیری مهم دیگر نیز از مطالب فوق به دست می‌آید. این است که بانک با از دست دادن ۱۶/۸ درصد سود (۱۹/۲ - ۳۶) "نسبت به منابع خود" ریسک‌های "مباشرت" و "مالکیت" را به واحد اقتصادی منتقل می‌کند. در عین حال، واحد اقتصادی نیز درآمدی در حد

۳۹/۲ درصد سود (۳۶ - ۷۵/۲) "نسبت به منابع خود" پاداش ریسک اضافی دریافت می‌دارد. به طوری که از رابطه‌های فوق ملاحظه می‌شود، میزان سهم ریسک بانک "در مجموع" در مورد این سرمایه‌گذاری از رابطه شماره (۴۴) قابل برآورد می‌باشد. این میزان براساس فروض و شرایط پیش‌گفته، حدود ۲۱۰۰ واحد ( $\sigma B = \sigma F \times SB$ ) می‌شود. در این مورد، می‌توان چنین استدلال نمود که بانک "منحصراً" ریسک مالی را می‌پذیرد و بقیه ریسک‌ها، یعنی ریسک "مباشرت" و ریسک "مالکیت" را در ازاء درآمد بیشتر برای واحد اقتصادی به واحد مزبور منتقل می‌کند. در عین حال، این میزان ریسک به طور نسبی نیز، در مقایسه با کل ریسک از رابطه شماره (۴۵) قابل برآورد و حدود ۲۱ درصد  $\left[ \frac{\sigma B}{CA} = \sigma F \times \frac{SB}{CA} \right]$  می‌گردد. برعکس میزان سهم ریسک واحد اقتصادی، عبارت خواهد بود از ریسک "تأمین مالی"، به تناسب میزان منابع واحد اقتصادی، به اضافه کل ریسک‌های "مباشرت" و "مالکیت"، به عبارت دیگر، میزان ریسک‌های "مباشرت" و "مالکیت" برای واحد اقتصادی سهم ریسک بانک از این موارد را نیز در بر می‌گیرد، زیرا، واحد اقتصادی برای پذیرش این سهم، سود اضافی دریافت می‌دارد.

میزان سهم ریسک "تأمین مالی" واحد اقتصادی از رابطه ریاضی (۴۶) قابل تخمین است. بر این مبنا، میزان سهم ریسک، تأمین مالی واحد اقتصادی حدود ۹۰۰ واحد ( $\sigma E = \sigma F \times SE$ ) برآورد می‌شود. این میزان ریسک، در مقایسه با کل ریسک، به طور نسبی حدود ۹ درصد  $\left[ \frac{\sigma E}{CA} = \sigma F \times \frac{SE}{CA} \right]$  می‌شود.

با همین استدلال، مجموع ریسک مباشرت واحد اقتصادی، اعم از سهم خود واحد یا سهم بانک نیز قابل اندازه‌گیری بوده و به حدود ۷۰۰۰ واحد  $[(\sigma W + \sigma_r) \times (SE + SB)]$  می‌رسد. این رقم به طور نسبی نیز در مقایسه با کل ریسک، حدود ۷۰ درصد برآورد می‌شود.

### نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه که در این مقاله مورد بحث و تحلیل قرار گرفت، ملاحظه شد، که ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های غیر مشابه در بانکداری اسلامی و سنتی که عمدتاً مربوط به عملیات اعتباری بانک‌های اسلامی می‌باشد که قسمت اعظم آنها و یا شاید تمام آنها، به دلایل مختلف متفاوت از ریسک‌های شناخته شده در بانکداری سنتی است. در عین حال، ظاهر فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، به ویژه فعالیت‌های اعتباری آنها نشان می‌دهد که این بانک‌ها، درگیر ریسک‌هایی بیش از ریسک‌های متداول در بانک‌های سنتی هستند. همین امر موجب شده است که نظریه پردازان به این باور برسند که بانک‌های اسلامی، در مقام مقایسه با بانک‌های سنتی، برای مقابله با ریسک بار سنگینی را بر دوش می‌کشند و با مشکل جدی در این زمینه روبرو می‌باشند.

در جهت ریشه یابی مشکل مزبور، در این مقاله سعی شد تا مشکل مزبور از زوایای مختلف مورد بحث و تحلیل قرار گرفته و راه حل اساسی برای خروج از مشکل ارائه گردد. در نتیجه، در جهت حل مشکل شیوه‌ای ارائه شد تا بر پایه آن بتوان تمام یا قسمتی از ریسک‌های ناشی از امور "مالکیت" یا در واقع ریسک "مشارکت" و همچنین ریسک "مباشرت" که اساسی‌ترین ریسک‌های متفاوت می‌باشند، منتقل نمود، با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، به نظر می‌رسد که مدل طراحی شده بتواند امر توزیع ریسک را براساس تجربیات گذشته و یا براساس تفاهمات حاصله میان بانک و واحد اقتصادی، بین آنها با سهولت انجام دهد. در جهت انجام این امر، در این مقاله شیوه‌ای ارائه شده است تا بر مبنای آن بتوان تمام یا قسمتی از ریسک‌های ناشی از امور مالکیت و مباشرت را منتقل نمود. مدل طراحی شده می‌تواند این کار را با سهولت و براساس تجربیات گذشته و یا براساس تفاهمات حاصله بین بانک و واحد اقتصادی که به ترتیبی بیان شد، به انجام برساند.